

## The Rule of Law and Earning Management

**Mohsen Faghih\***

Ph.D. Student in Accounting, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author) mfa1365@stu.umz.ac.ir

**Mani Motameni**

Associate Professor, Department of Economic, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran .m.motameni@umz.ac.ir

### Abstract

**Purpose:** One of the most tangible signs of information distortion is earnings management. Therefore, the study of the factors affecting it has changed from specific components of the company to general and institutional components. The rule of law, as one of the institutional variables that has an interdisciplinary structure and focuses on political, social and cultural issues, has also been used to explain economic and financial contexts. Therefore, the rule of law is important for the accounting profession, which is closely related to the economic and financial sectors of society. As a result, the aim is to study the relationship between the rule of law and earning management.

**Methods:** In this study, data were analyzed 167 companies listed on Tehran Stock Exchange during the years 2006 to 2018 and the hypothesis was tested by separating industrial and political period.

**Results:** The results showed that the rule of law and earning management has a positive and significant relationship. The findings also suggest that the relationship between the rule of law and earning management has been stronger in companies operating in the political industry. While the change in the political period has not affected the relationship between the rule of law and earning management.

**Conclusion:** The findings of this study show that the rule of law does not lead to less earning management. This may be addressed by weak law enforcement in areas such as investor protection, lack of transparency, and increased corruption, which require further studies.

**Contribution:** This research can create a new research platform to use interdisciplinary concepts such as the rule of law in explaining financial and accounting issues.

**Keywords:** Rule of Law, Transparency, Corruption, Earning Management.

### Research Article


---

Journal of Financial Accounting Knowledge, Vol.8, NO.2, Summer 2021, 31-68

DOI: 10.30479/jfak.2021.15025.2828

Received on 13 February, 2021 Accepted on 23 April, 2021

Copyright© 2021, Faghih & Motameni

Publisher: Imam Khomeini International University. 

## حاکمیت قانون و مدیریت سود

محسن فقیه \*

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

mfa1365@stu.umz.ac.ir

مانی مؤتمنی

دانشیار گروه علوم اقتصادی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. m.motameni@umz.ac.ir

### چکیده

**هدف:** مدیریت سود یکی از نشانه‌های محسوسی است که از تحریف اطلاعات حکایت دارد. به همین جهت، مطالعه عوامل تاثیرگذار بر آن از مؤلفه‌های خاص شرکتی به مؤلفه‌های عام و نهادی تغییر جهت داده است. حاکمیت قانون به عنوان یکی از متغیرهای نهادی که ساختاری بین رشته‌ای داشته و کانون تمرکز آن مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده است، جهت تبیین زمینه‌های اقتصادی و مالی نیز استفاده می‌شود. در نتیجه، هدف این پژوهش مطالعه ارتباط بین حاکمیت قانون و مدیریت سود است.

**روش:** در این پژوهش، اطلاعات ۱۶۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ تجزیه و تحلیل شده و فرضیه پژوهش با تفکیک صنعت و دوره سیاسی تقویت گردید.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که حاکمیت قانون و مدیریت سود ارتباط مثبت و معنادار دارند. همچنین یافته‌های تکمیلی از این موضوع حکایت دارد که ارتباط بین حاکمیت قانون و مدیریت سود در شرکت‌هایی که در صنایع سیاسی فعالیت می‌کنند، شدیدتر بوده است. این در حالی بوده است که ارتباط بین حاکمیت قانون و مدیریت سود در دوره‌های سیاسی اختلاف معناداری نداشته است.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حاکمیت قانون منجر به مدیریت سود کمتر نمی‌شود. این موضوع ممکن است با ضعف اجرای قوانین در زمینه‌هایی مانند حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، نبود شفافیت و افزایش فساد پاسخ داده شود که نیاز به مطالعات بیشتری در این زمینه است.

**دانش‌افزایی:** این پژوهش می‌تواند یک بستر پژوهشی جدیدی از این جهت که از مفاهیم بین رشته‌ای مانند حاکمیت قانون نیز می‌توان در تبیین مباحث مالی و حسابداری استفاده شود، ایجاد کند.

**واژگان کلیدی:** حاکمیت قانون، شفافیت، فساد، مدیریت سود.

مقاله پژوهشی

\* دانش حسابداری مالی، دوره ۸، شماره ۲، پیاپی ۲۹، تابستان ۱۴۰۰، صص. ۳۱-۶۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۲/۳



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

## ۱- مقدمه

بحران‌ها و رسوایی‌های مالی بیانگر انحراف گزارش‌ها و اطلاعات از الزامات قانونی و رهنمودهای حرفه‌ای بوده است.<sup>۱</sup> همواره چگونگی ارائه اطلاعات مالی توسط بنگاه‌های اقتصادی یکی از چالش‌های قانون‌گذاران، سیاست‌گذاران و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی محسوب می‌شود. چالش‌برانگیز از این جهت که از یک سو انتظار می‌رود تا تهیه‌کنندگان در ارائه اطلاعات به طور کامل الزامات قانونی را رعایت نمایند (لیوز و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۵۰۸) و از سوی دیگر، چنین سخت‌گیری و وجود ریسک دادخواهی ممکن است جریان اطلاعات را دشوار کرده و ارائه اطلاعات آینده‌نگر را محدود سازد (باگینسکی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲: ۲۸). براین اساس، مدیریت سود یکی از ابزارها و رویه‌هایی است که هم از عدم رعایت قوانین و استانداردها ناشی می‌شود و هم ممکن است با هدف ارائه اطلاعات قابل پیش‌بینی، فرآیند تصمیم‌گیری را بهبود دهد. چنین وضعیتی موجب شکل‌گیری دو دیدگاه فرصت‌طلبانه و کارآ در رابطه با مدیریت سود شد (اسکات<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹: ۴۱۴). دیدگاه فرصت‌طلبانه مدیریت سود بیانگر این است که بنگاه‌ها تصویری واقعی از وضعیت و عملکرد خود به بازار مخابره نمی‌کنند و اطلاعاتی که استفاده‌کنندگان باید از آن آگاهی داشته باشند را پنهان می‌کنند. چنین مسئله‌ای در بین استفاده‌کنندگان این نگرانی را به وجود می‌آورد که مدیریت سود می‌تواند خاستگاه رویدادهایی مانند فساد (لورنکو و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸: ۳۵)، تقلب (پرولز و لوگی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱: ۳۹)، درماندگی (آگروال و چاترجی<sup>۷</sup>، ۲۰۱۵: ۱۴۰)، ورشکستگی (آگوستیا و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۲۰: ۱۷) شود. درحالی که در دیدگاه مبتنی بر کارایی مدیریت سود، تمرکز بر ارزش‌آفرینی واحدهای تجاری در بستر اطلاعات قابل پیش‌بینی، اخلاق حرفه‌ای و مقررات است (سابرامانیا<sup>۹</sup>، ۱۹۹۶: ۲۵۳). چنین دیدگاه‌های متضادی، مدیریت سود را به یکی از گسترده‌ترین زمینه‌های پژوهشی تبدیل کرده است.

با وجود دامنه و تمایل زیادی که به موضوع مدیریت سود هم در بخش تئوریک و علمی (هیلی و پالیو<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۱: ۴۳؛ هیلی و والن<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۹: ۱۲۳) و هم در بخش فشار نهادها و رسانه‌های جمعی و عمومی (براون<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۴: ۸۵۳؛ فونت و چیا<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۳: ۱؛ ژيرو<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۳: ۱۶؛ کرسول<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۲: ۳) وجود داشته و برخی از ابعاد آن تبیین شد اما در مورد سایر جنبه‌های آن که دارای اهمیت فراگیرتری هستند، شواهد بسیار اندکی وجود دارد. به همین جهت، روند پژوهش‌های مربوط به عوامل تاثیرگذار بر مدیریت سود از مؤلفه‌های خاص مربوط به بازار و شرکت‌ها (تامی<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۲؛ جنکینز و همکاران<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۹: ۱۰۶) به ابعاد کلی و عام مانند اقتصاد (چن و همکاران<sup>۱۸</sup>، ۲۰۲۰؛ کایریاکو و همکاران<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۵: ۳۳۹؛ تامی، ۲۰۱۲؛ باغومیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۰)، سیاست (کوریا<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۲؛ ایمانی‌برندق و هاشمی، ۱۳۹۷: ۷۷؛ نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱)، اخلاق (جاست<sup>۲۱</sup>، ۲۰۱۴: ۴۶؛ رافیک<sup>۲۲</sup>، ۲۰۰۲: ۳۴؛ ودیعی و

همکاران، ۱۳۹۱: ۶۵؛ خلیفه سلطانی و برزگر، ۱۳۹۵: ۶۷) و قانون و مقررات (گلدمن و همکاران<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۶: ۱) که جنبه گسترده‌تری دارند، تغییر جهت داده است. اما از آنجایی که ممکن است تبیین هر یک از این عوامل کلی (یعنی اقتصاد، سیاست، اخلاق، قانون و غیره) به صورت جداگانه بر مدیریت سود به یافته‌های متناقضی منجر شود که از تعمیم‌دهی آن بکاهد، در نتیجه به معیاری نیاز است تا عوامل پیش گفته را با یکدیگر ترکیب کند. به همین جهت، در این پژوهش از معیار حاکمیت قانون<sup>۲۴</sup> به عنوان یکی از بنیادها و مفاهیم بین رشته‌ای<sup>۲۵</sup> که بسیاری از این عوامل را در بردارد (کوران و روبین<sup>۲۶</sup>، ۲۰۱۸: ۷۶۱)، جهت توضیح مدیریت سود استفاده شده است. چون که این معیار علاوه بر اینکه دامنه اعتماد و وفاداری شهروندان به قوانین و مقررات را پوشش می‌دهد، سازوکاری نیز جهت ایجاد شفافیت و کنترل فساد قلمداد می‌شود. براین اساس، می‌توان حاکمیت قانون را منشوری برشمرد تا از طریق آن بتوان به بسیاری از موضوعات مانند مدیریت سود نیز به طور کلی و فراگیر نگرینست (نول کائپر و همکاران<sup>۲۷</sup>، ۲۰۱۵؛ ریاحی - بلکویی و النجار<sup>۲۸</sup>، ۲۰۰۶: ۱۹۱) چرا که از یک سو، همواره بین حاکمیت قانون و عملکرد بازارهای مالی و اقتصادی نگرانی‌های وجود دارد (کوران و روبین، ۲۰۱۸: ۷۶۳) و از سوی دیگر، انتظارات و خواسته‌ها از حرفه حسابداری برای رعایت الزامات قانونی و رهنمودها در راستای اطلاعات مطلوب رو به گسترش است (گادسل و همکاران<sup>۲۹</sup>، ۲۰۱۷: ۴۱۰). براین اساس، پژوهش حاضر درصدد است تا ارتباط بین حاکمیت قانون و مدیریت سود را مورد مطالعه قرار دهد.

حاکمیت قانون نقش گسترده‌ای در موضوعات اقتصادی و مالی داشته که با پیچیدگی معاملات و همچنین گسترش عدم اطمینان این نقش برجسته‌تر و پررنگ‌تر نیز شده است. گواه این مطلب، پژوهش‌هایی بوده که با محوریت حاکمیت قانون در زمینه‌های اقتصادی و مالی مورد توجه جامعه علمی و همچنین سازمان‌های بین‌المللی (مانند بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی) قرار گرفته است. توسعه اقتصادی (ناک و کیفر<sup>۳۰</sup>، ۲۰۰۳؛ ناک<sup>۳۱</sup>، ۲۰۰۳)، رشد اقتصادی (لی و لی<sup>۳۲</sup>، ۲۰۱۳: ۱۹؛ ژو<sup>۳۳</sup>، ۲۰۱۱: ۳۶؛ حسن<sup>۳۴</sup>، ۲۰۱۰: ۲؛ هاگارد و همکاران<sup>۳۵</sup>، ۲۰۰۸: ۲۰۸)، اصطکاک مالی (راناسینگ و رستوجیا<sup>۳۶</sup>، ۲۰۱۸)، شفافیت (تیلی و رامکرز<sup>۳۷</sup>، ۲۰۱۷) و مدیریت سود (ریاحی - بلکویی و النجار، ۲۰۰۶: ۱۸۹) از جمله موضوعاتی بوده‌اند که توسط حاکمیت قانون در بستر حقوق مالکیت، حسن اجرای قراردادها، تکامل و توسعه بازارها، بهبود شفافیت و کنترل فساد تبیین شده‌اند.

حاکمیت قانون با مفاهیم حمایت از حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها به حوزه‌های اقتصادی و مالی وارد شد (هاگارد، ۲۰۱۰؛ حسن، ۲۰۱۰: ۴). از سوی دیگر، تئوری نمایندگی نیز چارچوبی را ایجاد می‌کند که می‌توان به وسیله آن قرارداد بین مالکان و مدیران را مورد بررسی قرار داد (گادفری و هاجسون<sup>۳۸</sup>، ۲۰۱۳: ۶۹) که مدیریت سود یکی از پیامدهای ناشی از این

نوع قراردادهای به شمار می‌رود (هارت<sup>۳۹</sup>، ۱۹۹۵؛ ۲۰۰۱: ۱۰۸۳). بنابراین، هرچه حقوق مالکیت مقدم و معتبر شمرده شود، انگیزه و اعتماد سرمایه‌گذاران به واسطه اطمینان نسبی از تحصیل بازده و تحقق سود مورد انتظار بهبود یافته و تضاد منافع کاهش می‌یابد (هاگارد و همکاران، ۲۰۰۸؛ حسن، ۲۰۱۰: ۴؛ میچالوپولوس و پایوانو<sup>۴۰</sup>، ۲۰۱۴: ۱۵۹؛ کیلیاتریک<sup>۴۱</sup>، ۲۰۱۵: ۳۳۰؛ شیل<sup>۴۲</sup>، ۲۰۱۴: ۸۱؛ استول<sup>۴۳</sup>، ۲۰۱۸: ۲۷۰؛ کاسترلین<sup>۴۴</sup>، ۲۰۲۰).

یکی دیگر از پیامدهای حاکمیت قانون، بهبود شفافیت و کنترل فرصت‌های فساد است که می‌توان از آنها جهت تبیین مدیریت سود بهره جست (لورنکو و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۷). به‌گونه‌ای که می‌توان در قالب این مؤلفه، دو دیدگاه متضاد درباره ارتباط بین حاکمیت قانون و مدیریت سود ترسیم کرد. یک دیدگاه بیانگر این است از آنجایی که حاکمیت قانون ممکن است اطمینان نسبی برای فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری فراهم کند، در نتیجه هر گونه نابرابری و دستکاری اطلاعات مغایر با مبانی آن قلمداد می‌شود. این وضعیت منجر به بهبود شفافیت فعالیت‌های شرکت شده (تیلی و رامارز، ۲۰۱۷) و به واسطه آن مدیریت سود کاهش می‌یابد (یو<sup>۴۵</sup>، ۲۰۰۵). در همین راستا، گادسل و همکاران (۲۰۱۷) بیان داشته‌اند که ریسک دادخواهی نیز ممکن است فعالیت‌های مدیریت سود را کمتر کند. در مقابل، از آنجایی که حاکمیت قانون مستلزم آن است که افراد رفتارها و فعالیت‌های خود را با قوانین تطبیق دهند، دیدگاه دیگری شکل گرفته که آن را مانعی جهت انتقال اطلاعات به بازار تلقی می‌کنند. ریاحی - بلکویی و النجار (۲۰۰۶) بر اساس این دیدگاه معتقدند در کشورهایی که حاکمیت قانون در اولویت قرار دارد، ممکن است نوآوری و خلاقیت در شرکت‌ها به دلیل سخت‌گیری - های قانونی کاهش یافته و تحقق سود هدف را دشوار سازد. به طوری که این موضوع انگیزه مدیران را برای کتمان فعالیت‌های واقعی افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، تضاد نمایندگی افزایش یافته و انگیزه‌های مدیریت سود گسترش می‌یابد. همچنین، لورنکو و همکاران (۲۰۱۸) نیز نشان داده‌اند در کشورهایی که مدیریت سود بیشتر است، ممکن است شفافیت کاهش و فساد افزایش یابد.

با توجه به مطالب پیش گفته انتظار می‌رود که از یک سو حاکمیت قانون بتواند در ایجاد بستری مناسب جهت ارایه اطلاعات و کاهش تضاد نمایندگی ناشی از مدیریت سود به عنوان فعالیتی که خاستگاه آن مجموعه قراردادهای شرکت (مانند پاداش، بدهی و غیره) است، در گستره وسیعی نقش آفرینی کند. چرا که یکی از آثار حاکمیت قانون، حسن اجرای قراردادها بوده و مدیران باید رفتارها و فعالیت‌های خود را با قوانین و مقررات همسو نمایند. در این شرایط تمایل کمتری به کتمان و دستکاری اطلاعات وجود داشته و فرصت‌های مدیریت سود محدود می‌شود. از سوی دیگر، ممکن است که انتشار و ارایه اطلاعات آینده‌نگر و متناسب با شرایط بازار به دلیل فشارهای قانونی و منطبق با مقررات، نوآوری و خلاقیت‌های تجاری را

کاهش داده و انگیزه مدیران را به استفاده از گزینه‌های فرصت‌طلبانه برای تحقق سود هدف دوچندان ساخته و مدیریت سود را تشدید نماید. با توجه به چنین ادبیات متضاد و ماهیت دولتی اقتصاد ایران که ممکن است میزان پایبندی و وفاداری شرکت‌ها به قوانین و مقررات را تحت تاثیر قرار دهد و بر ارقام مالی و حسابداری نیز اثرگذار باشد، این پژوهش درصدد است تا ارتباط بین حاکمیت قانون و مدیریت سود را مورد مطالعه قرار داده و به بررسی این موضوع بپردازد که رویکرد حاکم درباره ارتباط این مفاهیم در محیط ایران مبتنی بر کدام یک از دیدگاه‌های پیش گفته است.

اهمیت این پژوهش از چند بُعد قابل تبیین است. اول، بازنگری ادبیات پژوهش بیانگر این است اگرچه قانون توجه و تمرکز حاکمیت قانون به موضوعات سیاسی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی معطوف بوده اما در سال‌های اخیر دامنه آن به سمت مسائل اقتصادی و مالی نیز گسترش یافته است. چنین تغییر رویکردی از چند وجهی بودن موضوع حاکمیت قانون منشأ می‌گیرد که منجر به توسعه مطالعات بین رشته‌ای نیز شده است. به همین جهت اهمیت دارد تا ارتباط بین حاکمیت قانون به عنوان نماد وفاداری شرکت‌ها (به عنوان یکی از مصادیق شهروندان) به قوانین و مقررات با مدیریت سود که ممکن است در بعضی موارد از قوانین و استانداردها عدول کند، مورد مطالعه قرار گیرد. دوم، حاکمیت قانون برای حرفه حسابداری که با بخش‌های اقتصادی و تجاری جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد، حائز اهمیت است. چون از آنجایی که این حرفه موجودیت و اعتبار خود را از جامعه می‌گیرد، پس باید برای منافع جامعه نیز احترام و اعتبار قائل بوده و در انجام خدمات و فعالیت‌های خود، قوانین و مقررات را رعایت نماید. سوم، از آنجایی که یکی از پیامدهای اصلی حاکمیت قانون، تقویت بُعد شفافیت است (تیلی و راماکرز، ۲۰۱۷)، انتظار می‌رود در موضوعات اقتصادی و مالی نیز این مفهوم منجر به شفافیت شده و با حفظ قانون‌مداری، رفتارهای فرصت‌طلبانه ناشی از سازوکار بازار مانند مدیریت سود را تعدیل نماید. چهارم، مرور پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد اگرچه ارتباط عوامل کلی مانند مؤلفه‌های اقتصادی (باغومیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۹)، سیاسی (ایمانی برندق و هاشمی، ۱۳۹۷: ۷۷؛ نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱)، اخلاقی (خلیفه سلطانی و برزگر، ۱۳۹۵: ۶۷؛ ودیعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۵) و فرهنگی (دیانتی دیلمی و طیبی، ۱۳۹۰: ۱) با مدیریت سود مطالعه شده اما پژوهشی که عوامل پیش گفته را با یکدیگر ترکیب کرده و ارتباط آن را بسنجد، صورت نگرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر درصدد است تا شکاف پژوهشی مزبور را پوشش داده و موجب بسط و غنای مبانی نظری شود. پنجم، در بازارهای نوظهور و کمتر توسعه یافته موانع بیشتری جهت همبستگی بین گستره اعتماد و وفاداری شرکت‌ها (به عنوان یکی از مصادیق شهروندان) به قوانین و مقررات و همچنین فعالیت‌های مبهم و پیچیده‌ای مانند مدیریت سود وجود دارد، که محیط اقتصادی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست.

همچنین، ضرورت این پژوهش را نیز می‌توان از چندین جنبه مورد بررسی قرار داد. اول، از آنجایی که در اقتصاد ایران درباره قابلیت اتکای اطلاعات منتشره تردیدهایی وجود دارد (میرشکاری و سوداگران، ۲۰۰۵: ۳۵)، ممکن است مدیریت سود مبنایی جهت ارایه و افشای اطلاعات ناقص قلمداد شود. زیرا اعتقاد بر این است که ارایه اطلاعات تکمیلی درباره این فعالیت منجر به شناسایی گلوگاه‌ها توسط نهادها و مقام‌های قانونی گردد. دوم، از آنجایی که شفافیت اطلاعات به عنوان یکی از پیامدهای حاکمیت قانون قلمداد می‌شود (تیلی و رامارکز، ۲۰۱۷) و میزان شفافیت نیز در اقتصاد ایران بسیار پایین بوده و همواره نگرانی‌هایی در رابطه با آن وجود دارد، به گونه‌ای که طبق آمار شفافیت بین‌المللی<sup>۴۶</sup> در سال ۲۰۱۹، ایران در بین ۱۸۰ کشور رتبه ۱۴۶ را داشته است، ضرورت دارد تا ارتباط بین حاکمیت قانون و مدیریت سود به عنوان یکی از ابزارهایی که شفافیت را کاهش می‌دهد (هانتون و همکاران<sup>۴۷</sup>، ۲۰۰۶: ۱۳۸)، مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، با توجه به این که بورس اوراق بهادار تهران در مراحل اولیه پذیرش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی<sup>۴۸</sup> قرار دارد که یکی از پیش نیازهای آن اتصال به فرهنگ شفافیت بین‌المللی است، بررسی این موضوع ضروری است. سوم، با توجه به این که جنبه‌های جرم‌شناسی<sup>۴۹</sup> یکی از ابعاد شاخص حاکمیت قانون بوده (بانک جهانی، ۲۰۱۹؛ راناسینگ و رستوچیا، ۲۰۱۸) و همچنین در سال‌های اخیر نیز از مدیریت سود به عنوان یکی از مصادیق جرم مالی نام برده شده است (محدنور و همکاران<sup>۵۰</sup>، ۲۰۱۵: ۱۲۸)، در نتیجه ضرورت دارد تا این پژوهش در محیط اقتصادی ایران که جرائم مالی در سال‌های اخیر روند صعودی داشته، انجام گیرد. چهارم، اگرچه همواره تاکید و تمرکز بر این موضوع بوده که تعامل و همسویی بین الزامات قانونی و استانداردهای گزارشگری مالی افزایش یابد اما سوگیری به فعالیت‌های مدیریت سود امکان دارد چالشی در این مسیر قلمداد گردد. به گونه‌ای که مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دیدگاه فرصت طلبانه مدیریت سود بر دیدگاه کارآی آن غالب است (گول و همکاران<sup>۵۱</sup>، ۲۰۰۳: ۴۴۴). بنابراین ضرورت دارد تا ارتباط حاکمیت قانون با مدیریت سود به عنوان فعالیتی که بین شرکت‌های ایرانی رایج و متداول بوده (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱؛ محمدرضایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱؛ کردستانی و تاتلی، ۱۳۹۳: ۲۹۳)، مطالعه شود.

با توجه به اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر، در ادامه مبانی نظری و پیشینه‌های مرتبط تبیین شده و سپس روش‌شناسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها پرداخته شده و در پایان پس از آزمون‌های تکمیلی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارایه می‌شود.

## ۲- مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش

حاکمیت قانون از جمله موضوعاتی است که در خوانش اول بسیار فراگیر و کلی به نظر می‌رسد. بر اساس تعریف سازمان ملل متحد، این مفهوم مستلزم انجام اقداماتی برای تضمین اصول برتری قانون، برابری، پاسخگویی، انصاف، جلوگیری از تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای و ایجاد شفافیت می‌باشد. منظور از حاکمیت قانون حکمرانی است که در آن همه افراد، نهادها، مؤسسه‌های عمومی و خصوصی در برابر قانون پاسخگو هستند (شجاعیان، ۱۳۹۶). بانک جهانی (۲۰۱۹) نیز از حاکمیت قانون به عنوان این که تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی و حقیقی هستند و می‌توان به اجرا و پایبندی آن اعتماد و اطمینان داشت، تعریف کرده است. پروژه عدالت جهانی<sup>۵۲</sup> جهت اندازه‌گیری شاخص حاکمیت قانون در کشورها ۸ معیار اصلی (شامل محدودیتها بر قدرت دولت<sup>۵۳</sup>، نبود فساد<sup>۵۴</sup>، دولت باز<sup>۵۵</sup>، حقوق اساسی<sup>۵۶</sup>، نظم و امنیت<sup>۵۷</sup>، اجرای مقررات<sup>۵۸</sup>، دادرسی مدنی<sup>۵۹</sup> و دادرسی کیفری<sup>۶۰</sup>) را مطرح کرده است که هر یک دارای زیر معیارهایی هستند. هر یک از این معیارها و زیرمعیارهای آنها را می‌توان در بستر حوزه‌های اقتصادی و مالی نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. گواه این مطلب، پژوهش‌هایی بوده که با محوریت حاکمیت قانون در زمینه‌های اقتصادی و مالی مورد بررسی قرار گرفته است. به عنوان نمونه، توسعه اقتصادی (ناک و کيفر، ۲۰۰۳؛ ناک، ۲۰۰۳)، رشد اقتصادی (لی و لی، ۲۰۱۳، زو، ۲۰۱۱؛ حسن، ۲۰۱۰؛ هاگارد، مک‌اینتایر و تایده، ۲۰۱۰)، اصطکاک مالی (راناسینگ و رستوچیا، ۲۰۱۸)، شفافیت (تیلی و رامارکز، ۲۰۱۷) و مدیریت سود (ریاحی - بلکویی و النجار، ۲۰۰۶) از جمله موضوعاتی بودند که توسط حاکمیت قانون تحلیل شده‌اند. در اندازه‌گیری شاخص حاکمیت قانون، معیارها و زیرمعیارهایی مانند حقوق مالکیت، حسن اجرای قراردادهای، تکامل و توسعه بازارها، بهبود شفافیت و کنترل فساد وجود دارند که می‌توانند ارتباط تئوریک با مفاهیم اقتصادی و مالی داشته باشد.

حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادهای یکی از مؤلفه‌های معیار «اجرای مقررات» در اندازه‌گیری شاخص حاکمیت قانون قلمداد می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۱۹). این مؤلفه‌ها در ادبیات اقتصادی و مالی مبنای تدوین تئوری نمایندگی قلمداد می‌شوند. این تئوری، شرکت را شبکه‌ای از قراردادهای تلقی می‌کند که منجر به ایجاد روابط نمایندگی مانند رابطه مالک - مدیر می‌شود. در این نوع رابطه، شکلی از واگذاری اختیار نسبت به وقایع و تصمیم‌گیری‌ها طی یک قرارداد استخدامی توسط مالکان به مدیران انتقال می‌یابد. اگر چه این رابطه نمایندگی ممکن است منافعی برای مالکان داشته باشد اما هزینه‌های ناخواسته نمایندگی نیز به همراه دارد. به ویژه هنگامی که مدیران عکس منافع سهامداران فعالیت نموده و مزایای خود را در اولویت قرار دهند. بر این اساس، باید قراردادی جهت این رابطه تنظیم گردد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). در چنین وضعیتی اگر همه جنبه‌ها و پیامدهای طرفین در نظر گرفته نشود، منجر به تضاد منافع



گردیده و مدیران را به سوی فعالیت‌های ناشی از مدیریت و دستکاری سود سوق می‌دهد (کیسی و همکاران<sup>۶۲</sup>، ۲۰۰۵). مرور پیشینه پژوهشها نیز از نقش حقوق مالکیت و حسن اجرای قرارداد در تبیین موضوعات اقتصادی و مالی حکایت دارد. به عنوان نمونه، حاکمیت قانون از طریق حمایت از حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها بر رشد و توسعه اقتصادی تاثیر دارد (هاگارد و همکاران، ۲۰۰۸؛ حسن، ۲۰۱۰؛ لی و لی، ۲۰۱۳). برآیند این پژوهش‌ها نشان می‌دهد هرچه حقوق مالکیت برتر شمرده شود و از کیفیت برخوردار باشد، از یک سو انگیزه فرصت طلبانه اشخاص به واسطه اطمینان نسبی از کسب بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاری تعدیل شده (هاگارد، ۲۰۱۰) و از سوی دیگر، حسن اجرای قراردادها نیز از طریق ایجاد اعتماد بیشتر در سرمایه‌گذاران، سرعت رشد اقتصادی را تسهیل می‌کند (حسن، ۲۰۱۰: ۴). چرا که ممکن است نقض قراردادها سطح ریسک را افزایش داده و از میزان تولید بکاهد (میچالوپولوس و پاپایوانو، ۲۰۱۴: ۱۵۴). در همین راستا، سازوکارهای اجرای قرارداد شامل قوانین صریح و قابل پیش بینی، شفافیت در روش‌ها و اجرای بی‌طرفانه قوانین از عناصر توسعه بازارها تلقی می‌شود (حسن، ۲۰۱۰). به گونه‌ای که، لاپورتا و همکاران<sup>۶۳</sup> (۱۹۹۸) دلیل توسعه یافتگی بازارهای سرمایه را کیفیت سیستم‌های حقوق و قانونی قلمداد کرده است. حاکمیت قانون با ایجاد فضایی از اعتماد و همچنین ترغیب به ارایه اطلاعات صحیح و قابل اتکاء توسط تهیه‌کنندگان، به تخصیص درست منابع و کارایی بازار و همچنین اتخاذ تصمیم‌گیری‌های بهینه از سوی استفاده‌کنندگان در قالب یک قرارداد تولیدی کمک می‌کند. در نتیجه، با توجه به جایگاه قرارداد در حاکمیت قانون که از مبانی بنیادین حقوقی و قضایی فعالیت‌های اقتصادی است (بارو<sup>۶۴</sup>، ۲۰۰۰: ۳۴)، می‌توان مدیریت سود را یکی از پیامدهای ناشی از مجموعه قراردادهای شرکت (مانند قرارداد پاداش، قرارداد بدهی و غیره) که از نظریه نمایندگی سرچشمه می‌گیرد، دانست (کالینز و همکاران<sup>۶۵</sup>، ۲۰۱۷: ۷۶؛ جنسن و مک‌کلینک، ۱۹۷۶). بنابراین، می‌توان ارتباطی را بین حاکمیت قانون و مدیریت سود به عنوان یکی از آثار اجرای قراردادهای شرکت در قالب نظریه نمایندگی ترسیم نمود.

یکی دیگر از معیارهایی که در اندازه‌گیری شاخص حاکمیت قانون مورد توجه قرار می‌گیرد، مؤلفه «نبود فساد» است (بانک جهانی، ۲۰۱۹). در ادبیات پژوهش، ابزارهای مختلفی جهت جلوگیری از بروز و رخداد فساد وجود داشته که یکی از آنها شفافیت بوده که از آن به عنوان سنگ بنای حکمرانی خوب و یکی از آثار پذیرش حاکمیت قانون تعبیر شده است (پرومبسکو<sup>۶۶</sup>، ۲۰۱۵: ۲۰۸؛ پاپسکو و همکاران<sup>۶۷</sup>، ۲۰۰۸؛ برنامه توسعه سازمان ملل متحد<sup>۶۸</sup>، ۲۰۰۴). اعتقاد بر این است در محیطی که حاکمیت قانون در اولویت قرار دارد، فرصت‌های جذاب و متنوعی برای فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری ایجاد شده و منجر به شفافیت فعالیت‌های شرکت می‌گردد. چون که نابرابری و دستکاری اطلاعات مغایر با مبانی آن قلمداد

می‌شود (تیلی و رامارکز، ۲۰۱۷: ۵). از سوی دیگر، مدیریت سود نیز به عنوان فعالیتی که جنبه‌های منفی و رفتارهای فرصت طلبانه آن بر سایر جنبه‌های آن غالب است، نمادی از فساد و تقلب محسوب می‌شود (گول و همکاران، ۲۰۰۳). در همین راستا، لورنکو و همکاران (۲۰۱۸: ۳۸) اعتقاد دارند در کشورهایی که فساد بیشتر است، مدیریت سود رواج و طرفدار بیشتری دارد که این موضوع منجر به شفافیت کمتر می‌شود. یو (۲۰۰۵: ۵۹) نیز معتقد است که نبود اطلاعات شفاف منجر به تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب صحیح نشده و اتلاف منابع کمیاب اقتصادی و ناکارایی بازار را به همراه دارد. شفافیت پایین حاکی از نبود اطلاعات مربوط و قابل اتکاء برای برقراری ارتباط با بازار و سایر ارکان اقتصادی جامعه است. این موضوع سبب می‌شود تا عدم تقارن اطلاعاتی شکل گرفته و امکان بروز مدیریت سود تسهیل گردد. ولادو و کوژرئوریان<sup>۶۹</sup> (۲۰۱۳: ۱۳۱) اعتقاد دارد که شفافیت در واکنش به نبود اعتماد به بازارهای مالی به واسطه انگیزه دستکاری و مدیریت سود ایجاد گردید.

یکی دیگر از ابعاد حاکمیت قانون که به ارزیابی میزان اثربخشی قوانین می‌پردازد، «اجرای مقررات» بوده که یکی از زیر معیارهای کیفیت قوانین و مقررات است (بانک جهانی، ۲۰۱۹). باشمن و پیوتروسکی<sup>۷۰</sup> (۲۰۰۶: ۱۱۰) نظام‌های حقوقی را در کنار فشارهای بازار سرمایه، رفتار مدیران، حسابرسان، سرمایه‌گذاران، به عنوان یکی از عواملی برشمرده که فرآیند گزارشگری مالی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. آنها درصدد پاسخ به این پرسش اساسی بوده‌اند که چگونه سیستم‌های حقوقی و قانونی از جمله قوانین بازار سرمایه، قوانین مالیاتی، قانونی تجارت، استانداردهای حسابداری و حسابرسی و غیره محرک‌هایی را ایجاد می‌کنند که رفتار مدیران شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟ چون که این گونه محرک‌ها منجر به شکل‌گیری و تغییر ارقام مالی و حسابداری از طریق همپوشانی فشارهای قانونی، فشارهای بازار سرمایه، فشارهای سیاسی، استانداردهای حسابداری و قضاوت و اختیار گزارشگری توسط مدیران است. بنابراین، سیستم‌های حقوقی، قانونی و قضایی یک کشور نقش مهمی را در کنترل و هدایت رفتارهای فرصت طلبانه ارکان اقتصادی و تجاری بازار ایفا می‌کنند. در همین راستا، آن و همکاران<sup>۷۱</sup> (۲۰۱۶: ۵) سیستم‌های حقوقی و قانونی را به عنوان یکی از سازوکارهای کنترلی بیرونی برای جلوگیری از تضاد نمایندگی مطرح کردند. به طوری که این سیستم‌ها مزایایی مانند ارزش بالاتر و اندازه بزرگتر بازار (لاپورتا و همکاران<sup>۷۲</sup>، ۱۹۹۷: ۱۱۳۷)، افزایش تقسیم سود و کاهش تمرکز مالکیت (لاپورتا و همکاران، ۱۹۹۹: ۱۱۱۶)، کاهش مزایای خصوصی ناشی از کنترل (زینگالز<sup>۷۳</sup>، ۱۹۹۴: ۴۶)، افزایش همبستگی بین سرمایه‌گذاری واقعی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری (وورگلر<sup>۷۴</sup>، ۲۰۰۰: ۱۸۹)، کاهش هزینه سرمایه و ریسک نقدینگی (ان‌جی<sup>۷۵</sup>، ۲۰۱۱: ۱۲۹) کاهش هزینه معاملات (لانگ و همکاران<sup>۷۶</sup>، ۲۰۱۲: ۷۳۳) به همراه دارد.

در کشورهایی که مقررات قوی جهت حمایت از سرمایه‌گذاران وجود دارد و یا سیستم‌های حقوقی از کیفیت بالایی برخوردار هستند، اخبار و اطلاعات نامساعد به موقع‌تر از کشورهای منتشر می‌شود که قوانین ضعیف برای پشتیبانی از سرمایه‌گذاران داشته یا کیفیت سیستم‌های حقوقی آنها پایین‌تر است (باشمن و پیوتروسکی، ۲۰۰۶: ۱۱۰). به عنوان نمونه، هائوچن و لوبرنیک<sup>۷۷</sup> (۲۰۰۳: ۶) نشان داده‌اند شرکت‌های انگلیسی که در بورس آمریکا فعالیت می‌کنند زیان را به موقع‌تر شناسایی می‌کنند. همچنین لانگ و همکاران<sup>۷۸</sup> (۲۰۰۳: ۳۶۸) نیز بر این موضوع دلالت داشته‌اند که شناخت زیان در شرکت‌های آمریکایی سریع‌تر گزارش می‌شود. لیوز و همکاران<sup>۷۹</sup> (۲۰۰۳: ۵۰۹) نیز اعتقاد دارد که قانون حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیریت سود را کاهش می‌دهد. ممیس و تسناک<sup>۷۹</sup> (۲۰۱۲: ۴۶۷) نیز ابراز داشته‌اند که میزان مدیریت سود در کشورهای دارای قوانین کارآمد برای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، کمتر است. چون که انگیزه‌های مدیران برای دستیابی به منافع شخصی محدود شده و توسط نهادهای قانونی پشتیبانی نمی‌شود. همچنین، گادسل و همکاران<sup>۸۰</sup> (۲۰۱۷: ۴۱۰) اعتقاد دارند که تعداد شکایت‌ها و دادخواست‌هایی که در برابر شرکت‌ها ثبت می‌شود، فعالیت‌های مدیریت سود را کمتر می‌کند. در مقابل، ریاحی - بلکویی و النجار<sup>۸۱</sup> (۲۰۰۶: ۱۹۲) اگر چه بیان داشته‌اند که حاکمیت قانون مستلزم آن است که افراد این توانایی را داشته باشند که فعالیت‌ها و رفتارهای خود را با مقررات تطبیق دهند. اما فشار بر مدیران جهت ارائه اطلاعات سازگار با قوانین سبب می‌شود تا به گزینه‌های فرصت‌طلبانه ناشی از رویه‌های حسابداری بیشتر روی آورند. در چنین شرایطی عدم اطمینان در سود افزایش یافته که ممکن است منجر به افزایش مدیریت و دستکاری آن گردد.

پس از بیان مبانی نظری پیش گفته، مرور پیشینه‌های تجربی پژوهش نیز می‌تواند جهت تبیین نقش حاکمیت قانون در زمینه‌های مالی و اقتصادی مفید واقع گردد. اگرچه بازنگری پیشینه‌ها (داخلی و خارجی) نشان می‌دهد تنها پژوهش ریاحی بلکویی و النجار<sup>۸۱</sup> (۲۰۰۶) تاثیر حاکمیت قانون به عنوان یکی از عوامل اجتماعی را بر مدیریت سود در سطح بین‌الملل مورد بررسی قرار داده‌اند، اما گرایش سایر پژوهش‌ها در زمینه حاکمیت قانون به سوی مفاهیم اقتصاد کلان بوده است و شواهد اندکی در سطح اقتصاد خرد وجود دارد. با این وجود، در ادامه به برخی از پیشینه‌ها که ارتباط نزدیکی به موضوع پژوهش داشته است، اشاره می‌شود.

بیوزلینک و همکاران<sup>۸۰</sup> (۲۰۱۹: ۴۵) مدیریت سود را در شرکت‌های چندملیتی مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها چنین نتیجه‌گیری نموده‌اند که سود تلفیقی این شرکت‌ها از طریق یک استراتژی گزارشگری در شرکت‌های فرعی مدیریت می‌شود. بدین صورت که در کشورهای دارای ساختارهای قانونی انعطاف پذیر، سطح مدیریت سود شرکت‌های فرعی افزایش یافته و در کشورهایی که سیستم حقوقی و قانونی قدرتمندتری حاکم است، میزان مدیریت سود کاهش

یافته است. لورنکو و همکاران (۲۰۱۸: ۳۵) در پژوهشی به مطالعه ارتباط فساد و مدیریت سود در کشورهای توسعه یافته پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که درک بالاتر فساد به انگیزه‌های مرتبط با دستکاری سود در کشورهای در حال ظهور می‌افزاید. این نتیجه در شرایط به دست آمده بود که در کشورهای توسعه یافته که سطح حمایت از سرمایه‌گذاران اقلیت بیشتر است، رابطه معناداری مشاهده نگردید. علاوه بر این، نتایج نشان داد علیرغم این که در کشورهای توسعه یافته رابطه معکوسی بین مدیریت سود و میزان حمایت از سرمایه‌گذاران وجود داشته است، اما چنین رابطه‌ای در کشورهای در حال ظهور وجود نداشته است. باتور و عثمان<sup>۸۱</sup> (۲۰۱۶: ۱) خاستگاه قانون، آزادی اقتصادی و مدیریت سود را در کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها نشان داد که قانون بر مدیریت سود مبتنی بر اقدام واقعی تاثیر معنادار داشته اما بر مدیریت سود مبتنی بر اقدام تعهدی بی تاثیر بوده است. همچنین نتایج نشان داد بین آزادی اقتصادی و مدیریت سود واقعی ارتباط معنادار وجود نداشته اما ارتباط مستقیم با مدیریت سود تعهدی وجود دارد. کایریاکو و همکاران (۲۰۱۵: ۳۳۸) رابطه بین عدم اطمینان اقتصادی و مدیریت سود در کشورهای اروپایی را مورد بررسی قرار داده‌اند. بخشی از نتایج آنها بیانگر این موضوع بوده است که با وجود قوانین سخت گیرانه در زمینه مدیریت سود و شفافیت اطلاعاتی، مدیریت سود افزایش یافته است. همچنین آنها بیان داشته‌اند که شرکت‌های کشورهای مختلف، رفتار متفاوتی نسبت به مدیریت سود از خود نشان می‌دهند. علی‌کاج و همکاران<sup>۸۲</sup> (۲۰۱۴: ۱۶۱) در مطالعه‌ای تاثیر سیستم‌های حقوقی را بر مدیریت سود مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج آنها نشان داد که قوانین مرتبط با حمایت از سرمایه‌گذاران با مدیریت سود ارتباط منفی دارد. ریاحی - بلکویی و النجار (۲۰۰۶: ۱۸۹) در پژوهشی به مطالعه عوامل تاثیرگذار بر مدیریت سود در سطح بین‌الملل پرداختند. آنها در این پژوهش عوامل اقتصادی، حسابداری و اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند. عوامل اقتصادی شامل رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی، عوامل حسابداری شامل سطح افشاء، تعداد حساب‌رسان و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری و عوامل اجتماعی شامل کیفیت زندگی، فساد و حاکمیت قانون بوده است. بخشی از یافته‌های آنها نشان داد که مدیریت سود ارتباط مستقیمی با حاکمیت قانون دارد. آلن و همکاران<sup>۸۳</sup> (۲۰۰۵: ۵۷) ارتباط بین قانون، تامین مالی و رشد اقتصادی را در کشور چین مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج نشان داد که با سازوکارهای حقوقی و مالی بسیار ضعیف‌تر، شرکت‌های خصوصی در مقایسه با شرکت‌های دولتی بسیار سریع‌تر رشد کرده و سهم بیشتری را در رشد اقتصادی کشور چین داشته‌اند. باگینسکی و همکاران (۲۰۰۲: ۲۵) در پژوهشی به تاثیر محیط قانونی بر افشای داوطلبانه با تاکید بر نقش پیش‌بینی مدیریت سود در بازار کانادا پرداختند. نتایج نشان داد که مدیران نسبت به محیطی که

قوانین سخت تری وجود دارد، پیش بینی های دقیق و واقعی تری را نسبت به اقلام صورت های مالی ارایه می دهند.

ایمانی برندق و هاشمی (۱۳۹۷: ۷۷) تاثیر عوامل سیاسی بر مدیریت سود را مورد بررسی قرار داده اند. در این پژوهش، شرکت های نمونه به دو گروه شرکت های وابسته سیاسی و غیر وابسته سیاسی تفکیک و به صورت جداگانه در دو دوره سیاسی مذکور از نظر مدیریت سود با استفاده از آزمون مقایسه زوج ها مورد بررسی قرار گرفتند. یافته های پژوهش حکایت از آن دارد که مدیریت سود انجام شده در دوره های مختلف سیاسی تفاوت معنی داری با هم داشته است یعنی مدیریت سود در ایران می تواند از عوامل سیاسی تأثیر پذیرد. سلاطین و همکاران (۱۳۹۷: ۱۲۳) در مطالعه ای به بررسی عوامل مؤثر بر کسری بودجه با تأکید بر حاکمیت قانون پرداختند. در این پژوهش میزان تأثیرگذاری عوامل مؤثر (رشد اقتصادی، سرمایه انسانی، حاکمیت قانون، تورم و درجه آزادی اقتصادی) بر کسری بودجه با تأکید بر حاکمیت قانون در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط است. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش اثرات ثابت و گشتاور تعمیم یافته در گروه کشورهای منتخب در دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۲ با استفاده از اطلاعات آماری بانک جهانی نشان داد که رشد اقتصادی، سرمایه انسانی، حاکمیت قانون، تورم و درجه آزادی اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد. حیدری و علی نژاد (۱۳۹۳: ۹۸) تأثیر متغیر نهادی حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی در هشت کشور بزرگ اسلامی را مورد بررسی قرار داده اند. آنها با استفاده از مدل رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی با رد فرضیه خطی بودن، یک مدل دو رژیم با حد آستانه ای ۰/۵۱۱- را برای شاخص حاکمیت قانون در کشورهای تحت بررسی پیشنهاد می نماید. نتایج مطالعه حاکی از تأثیرگذاری مثبت شاخص حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی، البته با شدت بیشتر در رژیم دوم می باشد. نتایج همچنین نشان می دهند که متغیرهای مخارج تحصیل و صادرات مواد خام کشاورزی در رژیم اول تأثیر منفی و در رژیم دوم تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارند. سایر نتایج نیز حاکی از معنی داری ضریب تأثیرگذاری مثبت شاخص توسعه مالی و شاخص باز بودن اقتصاد و نیز تأثیرگذاری منفی نرخ تورم در هر دو رژیم می باشند. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲) در گزارشی به تبیین نقش حاکمیت قانون در محیط کسب و کار پرداختند. این مرکز لزوم حاکمیت قانون در محیط کسب و کار را در چهار بُعد قابلیت پیش بینی تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها، حقوق مالکیت، تأمین فرصت و برخورد برابر با فعالان اقتصادی و کاهش هزینه مبادله دسته بندی کرده اند. نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲: ۳۱) به تبیین دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین مدیریت سیاسی و مدیریت سود رابطه ای مستقیم وجود دارد. به عبارت دیگر وجود مدیریت سیاسی در شرکت ها یکی از عوامل تاثیرگذار بر مدیریت

سود می باشد. دقیقی اصلی و همکاران (۱۳۹۲: ۳) به بررسی اثر حکمرانی خوب بر سطح فساد اقتصادی در کشورهای با سطح توسعه‌یافتگی متوسط پرداختند. آنها در این پژوهش به روش داده‌های ترکیبی، تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر سطح فساد برای نمونه‌ای ۲۴ کشوری از کشورهای با سطح توسعه‌یافتگی متوسط (شامل ایران) بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۸ را برآورد کرده‌اند. نتایج تخمین‌ها نشان داد برای کشورهای با درجه توسعه‌یافتگی متوسط مایل به بالا و پایین شاخص حاکمیت قانون بر کاهش سطح فساد تأثیر دارد، به طوری که اثر آن بر میزان فساد منفی و به شدت معنی‌دار است. دامن‌کشیده و خدابخش (۱۳۹۱: ۸۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر مقررات کسب و کار و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در کشورهای گروه ۷۷ پرداختند. در این پژوهش رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مقررات کسب و کار و رشد اقتصادی در طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ در ۱۹ کشور منتخب از کشورهای گروه ۷۷ بررسی شد. بخشی از نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که حاکمیت قوانین با یک دوره تأخیر تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

بازنگری پیشینه‌ها نشان می‌دهد که تنها ریاحی - بلکویی و النجار (۲۰۰۶) حاکمیت قانون را به عنوان یکی از عوامل تأثیر گذار بر مدیریت سود معرفی کرده‌اند و تمرکز سایر پژوهش‌ها یا بر تبیین حاکمیت قانون در سطح مفاهیم کلان اقتصادی (مانند رشد و توسعه اقتصادی، اصطکاک بازار، آزادی اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی و کسری بودجه) بوده یا این که تأثیر عوامل سیاسی، فساد، سیستم‌های حقوقی را که هر کدام از پیامدهای حاکمیت قانون تلقی می‌شوند، به طور جداگانه بر مدیریت سود مورد مطالعه قرار داده‌اند. بر این اساس و مستند به ادبیات پژوهش، انتظار می‌رود از یک سو حاکمیت قانون زمینه‌ای را جهت انتشار اطلاعات و تقلیل مسایل نمایندگی ناشی از مدیریت سود به عنوان رویه‌ای که از قراردادهای شرکت ناشی می‌شود، فراهم سازد. در این شرایط گرایش کمتری به پنهان سازی اطلاعات وجود داشته و فرصت‌های مدیریت سود محدود می‌شود. از سوی دیگر، انتظار می‌رود که سخت‌گیری بر مدیران جهت گردآوری اطلاعات منطبق با قوانین و مقررات، خلاقیت را محدود نموده و انگیزه آنها به استفاده از روش‌های فرصت‌طلبانه را مضاعف سازد که این موضوع ممکن است مدیریت سود را افزایش دهد. بنابراین، فرضیه پژوهش بدین صورت تدوین می‌شود:

فرضیه: بین حاکمیت قانون و مدیریت سود ارتباط معنادار وجود دارد.

### ۳- روش‌شناسی پژوهش

#### نوع پژوهش و گردآوری داده‌ها

این پژوهش، یک پژوهش بنیادی بوده که با هدف گسترش دانش بین‌رشته‌ای و مبتنی بر تحلیل توصیفی-رگرسیون انجام گرفته است. بازه زمانی این پژوهش از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷

انتخاب شده است. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از پایگاه‌های اطلاعاتی کدال، مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی و همچنین نرم‌افزار ره‌آورد نوین گردآوری شده است. علاوه بر این، اطلاعات مربوط به متغیر حاکمیت قانون نیز طبق شاخص‌های حاکمیتی بانک جهانی جمع‌آوری شده است. بر اساس آنچه که در جدول (۱) ارایه شده است، نمونه نهایی آماری دربرگیرنده ۱۶۷ شرکت و ۲۱۷۱ مشاهده (سال-شرکت) بوده که بر اساس داده‌های ترکیبی تجزیه و تحلیل شده‌اند. فرآیند انتخاب نمونه در جدول (۱) ارایه شده است.

جدول (۱): فرآیند انتخاب نمونه و پراکندگی شرکت‌ها بر اساس صنعت

بخش (الف) فرآیند انتخاب نمونه	
ردیف	محدودیت اعمال شده
۱	تعداد کل شرکت‌ها تا پایان سال ۱۳۹۷
۲	شرکت‌هایی که تغییر سال مالی یا فعالیت داشته‌اند
۳	شرکت‌هایی که طی دوره پژوهش دارای فعالیت نبوده یا از بورس خارج شده‌اند
۴	شرکت‌های عضو گروه مالی، واسطه‌گری، بانک و بیمه
۵	شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند نیست
	نمونه نهایی
	بخش (ب) پراکندگی شرکت‌ها بر اساس نوع صنعت
۱	خودرو و ساخت قطعات
۲	فلزات اساسی و محصولات فلزی
۳	مواد و محصولات دارویی
۴	پتروشیمی، فرآورده‌های نفتی، شیمیایی، لاستیک و پلاستیک
۵	محصولات کانی، غیر فلزی و سایر معادن
۶	مواد غذایی (شمال قند و شکر)
۷	سیمان، آهک و گچ
۸	ماشین آلات، تجهیزات و دستگاه‌های برقی
۹	کاشی و سرامیک
۱۰	محصولات کاغذی
۱۱	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات
۱۲	رایانه
۱۳	زراعت و خدمات وابسته
۱۴	سایر
	جمع
مشاهده	شرکت
۵۹۵۴	۴۵۸
(۶۱۱)	(۴۷)
(۸۷۱)	(۶۷)
(۷۶۷)	(۵۹)
(۱۵۲۴)	(۱۱۸)
۲۱۷۱	۱۶۷
۲۷	٪۱۶
۲۰	٪۱۲
۲۰	٪۱۲
۱۸	٪۱۱
۱۷	٪۱۰
۱۵	٪۹
۱۵	٪۹
۱۴	٪۸
۶	٪۴
۴	٪۳
۳	٪۲
۲	٪۱
۲	٪۱
۴	٪۲
۱۶۷	٪۱۰۰

## مدل پژوهش

در این پژوهش جهت آزمون فرضیه از مدل (۱) استفاده شده است:

مدل (۱)

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1ROL_{it} + \beta_2SIZE_{it} + \beta_3DEBT_{it} + \beta_4TobinQ_{it} + \beta_5PastEarnings_{it} + \beta_6FCF_{it} + \beta_7Constraint_{it} + \beta_8NEonCashTrans_{it} + \varepsilon$$

## متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته-مدیریت سود

در این پژوهش، جهت سنجش مدیریت سود از اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌شود. در ادبیات مالی و حسابداری این اقلام به عنوان انعکاسی از رویه‌ها و روش‌هایی که در اختیار مدیران است، تعریف می‌شوند (کشمیری<sup>۸۴</sup>، ۲۰۱۴). جهت برآورد اقلام تعهدی اختیاری، مدل‌ها

و الگوهای بسیار مانند هیلی<sup>۸۵</sup>(۱۹۸۵)، دی آنجلو<sup>۸۶</sup>(۱۹۸۶)، جونز<sup>۸۷</sup>(۱۹۹۱)، دیچاو و همکاران<sup>۸۸</sup>(۱۹۹۵)، کازنیک<sup>۸۹</sup>(۱۹۹۹)، دیچاو و دیچو<sup>۹۰</sup>(۲۰۰۲)، مک نیکولز<sup>۹۱</sup>(۲۰۰۲)، کوتاری و همکاران<sup>۹۲</sup>(۲۰۰۵) وجود دارد. از آنجایی که در این پژوهش منظور از مدیریت سود، مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی است، در نتیجه اندازه‌گیری این ارقام حائز اهمیت است. به طور کلی جهت محاسبه ارقام تعهدی دو رویکرد سود-زیانی و ترازنامه‌ای وجود دارد. در رویکرد سود-زیانی، ارقام تعهدی از تفاوت سود خالص و جریان نقدی عملیاتی به دست می‌آید که صورت جریان وجه نقد نیز در آن نقش دارد. اما ارقام تعهدی براساس رویکرد ترازنامه-ای از تفاضل تغییرات دارایی‌های جاری غیرنقدی با بدهی‌های جاری به استثنای حصه جاری بدهی‌های بلندمدت سنجش می‌شود. در این پژوهش به دلیل محدودیت در گردآوری اطلاعات مربوط به حصه جاری بدهی‌های بلندمدت از رویکرد سود و زیانی جهت سنجش ارقام تعهدی استفاده شده است که طبق رابطه ۱ اندازه‌گیری می‌شود:

رابطه (۱)

$$TA_{it} = EARN_{it} - CFO_{it}$$

که در آن: TA بیانگر کل ارقام تعهدی؛ CFO معادل وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی

و EARN سود خالص را نشان می‌دهد.

همانگونه که در بالا اشاره شد، مدل‌های مختلفی برای سنجش ارقام تعهدی اختیاری به عنوان معیار مدیریت سود وجود دارد که در چنین شرایطی باید از الگویی استفاده شود که سازگاری بیشتری با محیط پژوهشی داشته و توان برآزش ویژگی‌های شرکت‌ها را داشته باشد. موضوعی که در بیشتر پژوهش‌های داخلی نادیده گرفته شده و به جهت اینکه پژوهش‌های خارجی از یک مدل خاص استفاده کرده‌اند، در پژوهش‌های داخلی نیز به کار گرفته شده است. مرور پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که در بین مدل‌های اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری، تمایل به مدل جونز یا مدل تعدیل شده آن (دیچاو و همکاران، ۱۹۹۵) بیش از سایر مدل‌ها بوده است. در حالی که صرف نظر از دلایل آن، ممکن است مدل دیگری وجود داشته باشد که با شرکت‌های ایرانی سازگاری بیشتری داشته و بهتر بتواند این متغیر را توضیح دهد. به گونه‌ای که این موضوع در برخی پژوهش‌ها (فخاری و فقیه، ۱۳۹۶؛ تاری وردی و همکاران، ۱۳۹۳؛ بهارمقدم و کوهی، ۱۳۸۹) مورد توجه قرار گرفته است. به همین جهت، در این پژوهش نیز اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری به عنوان معیار مدیریت سود براساس مدل‌های جونز (۱۹۹۱)، دیچاو و همکاران (۱۹۹۵)، کازنیک (۱۹۹۹)، دیچاو و دیچو (۲۰۰۲)، مک نیکولز (۲۰۰۲) و کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) در سطح نمونه‌ها صورت گرفته و قدرت تبیین و توضیح‌دهندگی، میزان خطا و سایر آماره‌های برآزش برآورد شده و مدلی که از آماره‌های مطلوب‌تری برخوردار بوده است، به عنوان الگوی اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری و معیار مدیریت سود انتخاب گردید. همان‌گونه که نتایج در جدول (۲) نشان می‌دهد آماره‌های ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل شده،



آماره F، معیار اطلاعاتی آکائیک<sup>۹۳</sup>، معیار شوارتز<sup>۹۴</sup> و معیار حنان-کوئین<sup>۹۵</sup> در مدل مک نیکولز از وضعیت مطلوب تری نسبت به سایر مدل‌ها برخوردار بوده است. به عنوان نمونه، ضریب تعیین تعدیل شده در مدل مک نیکولز ۰.۵۷ بوده که بیانگر قدرت بیشتر متغیرهای توضیحی در تبیین ارقام تعهدی است. همچنین، معیارهای اطلاعاتی در این مدل کمتر از سایر مدل‌ها بوده که بیانگر دقت بالاتر مدل می‌باشد. براین اساس، از قدر مطلق باقیمانده مدل مک نیکولز (۲۰۰۲) به عنوان ارقام تعهدی اختیاری جهت اندازه‌گیری مدیریت سود استفاده شده است. مدل‌های ۲ تا ۷ نحوه برآورد ارقام تعهدی اختیاری به عنوان معیار مدیریت سود را نشان می‌دهند:

مدل (۲)-جونز (۱۹۹۱)

$$TA_{it}/A_{it-1} = \beta_0(1/A_{it-1}) + \beta_1(\Delta REV_{it}/A_{it-1}) + \beta_2(PPE_{it}/A_{it-1}) + \varepsilon$$

مدل (۳)-دیچاو و همکاران (۱۹۹۵)

$$TA_{it}/A_{it-1} = \beta_0(1/A_{it-1}) + \beta_1[(\Delta REV_{it} - \Delta AR_{it})/A_{it-1}] + \beta_2(PPE_{it}/A_{it-1}) + \varepsilon$$

مدل (۴)-کازنیک (۱۹۹۹)

$$TA_{it}/A_{it-1} = \beta_0(1/A_{it-1}) + \beta_1[(\Delta REV_{it} - \Delta AR_{it})/A_{it-1}] + \beta_2(PPE_{it}/A_{it-1}) + \beta_3(\Delta CFO_{it}/A_{it-1}) + \varepsilon$$

مدل (۵)-دیچاو و دیچو (۲۰۰۲)

$$TA_{it}/A_{it-1} = \beta_0(1/A_{it-1}) + \beta_1(CFO_{it}/A_{it-1}) + \beta_2(CFO_{it-1}/A_{it-1}) + \beta_3(CFO_{it+1}/A_{it-1}) + \varepsilon$$

مدل (۶)-مک نیکولز (۲۰۰۲)

$$TA_{it}/A_{it-1} = \beta_0(1/A_{it-1}) + \beta_1(\Delta REV_{it}/A_{it-1}) + \beta_2(PPE_{it}/A_{it-1}) + \beta_3(CFO_{it}/A_{it-1}) + \beta_4(CFO_{it-1}/A_{it-1}) + \beta_5(CFO_{it+1}/A_{it-1}) + \varepsilon$$

مدل (۷)-کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)

$$TA_{it}/A_{it-1} = \beta_0(1/A_{it-1}) + \beta_1[(\Delta REV_{it} - \Delta AR_{it})/A_{it-1}] + \beta_2(PPE_{it}/A_{it-1}) + \beta_3 ROA_{it} + \varepsilon$$

جدول (۲): نتایج برآورد مدل‌های اندازه‌گیری مدیریت سود

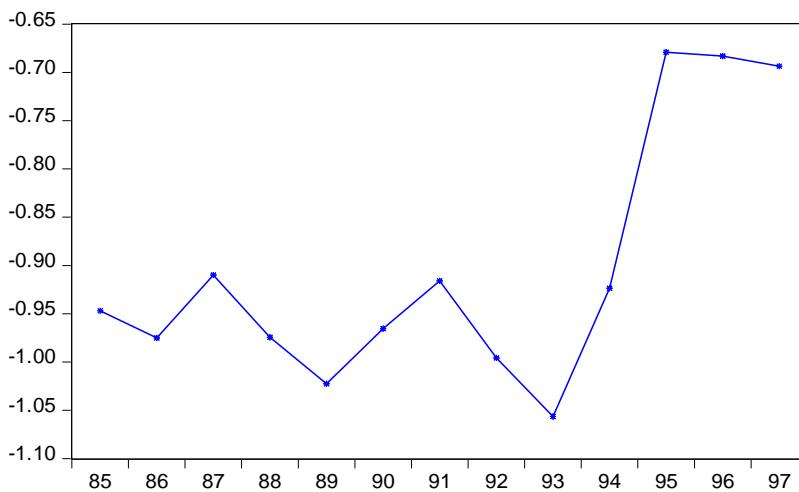
متغیر/مدل	جونز	دیچاو و همکاران	کازنیک	دیچاو و دیچو	مک‌نیکولز	کوتاری و همکاران
	معاداری	ضریب	معاداری	ضریب	معاداری	ضریب
1/A	-۰/۲۲۶/۶	-۰/۰۸۹	-۰/۰۷۸	-۰/۰۰۶	-۰/۲۱۲	-۰/۰۹۰
ΔREV	-۰/۰۰۰/۷	-۰/۰۱۷	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۱	-۰/۲۲۲/۱
PPE	-۰/۰۱۲۸	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۱۲۲	-۰/۲۶۱
ΔREV-ΔAR	-۰/۰۰۰/۰	-۰/۰۰۰/۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰
ΔCFO	-۰/۰۰۰/۰	-۰/۰۰۰/۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰
CFO <sub>t-1</sub>	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰
CFO <sub>t</sub>	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰
CFO <sub>t+1</sub>	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰
ROA	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰
مقدار ثابت	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰
ضریب تعیین	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰
Adj-R <sup>2</sup>	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰
آماره F	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰
آکائیک	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰
شوارتز	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰
حنان کوئین	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰

## متغیر مستقل-حاکمیت قانون

در این پژوهش، داده‌های مربوط به حاکمیت قانون از سایت شاخص‌های حکمرانی بانک جهانی<sup>۹۶</sup> گردآوری شده است. بر این اساس، برآورد امتیاز کشور ایران در شاخص کل طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۸) به عنوان معیار حاکمیت قانون در نظر گرفته شده است. دامنه این برآورد از ۲٫۵- تا ۲٫۵+ را در بر گرفته و بر اساس این برآورد، امتیاز کشورها به درصد برگردانده می‌شود. بر این اساس، هر چه مقدار آن بزرگتر باشد، بیانگر جایگاه حاکمیت قانون در آن کشور بوده است. همان گونه که جدول (۳) نشان می‌دهد طی بازه زمانی پژوهش، شاخص حاکمیت قانون در کشورمان مثبت نبوده است و همواره برآورد منفی را ثبت نموده است. همچنین بهترین و بدترین امتیاز این شاخص به ترتیب ۰٫۶۷- و ۱٫۰۵- بوده که مربوط به سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۳ می‌باشد. همچنین با توجه به شکل ۱ می‌توان گفت که نمودار روند این شاخص در کشور نوسان بسیار زیادی دارد.

جدول (۳): امتیاز شاخص حاکمیت قانون در ایران (از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۸)

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷
ROL	-۰/۹۴	-۰/۹۷	-۰/۹۰	-۰/۹۷	-۱/۰۲	-۰/۹۶	-۰/۹۱	-۰/۹۹	-۱/۰۵	-۰/۹۲	-۰/۶۷	-۰/۶۸	-۰/۶۹



شکل ۱. نمودار روند تغییرات شاخص حاکمیت قانون در ایران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷

در این پژوهش جهت تفسیر بهتر یافته‌ها از لگاریتم شاخص حاکمیت قانون استفاده شده است. استفاده از لگاریتم چندین مزیت دارد. اول، لگاریتم سبب می‌شود تا روابط غیرخطی به روابط خطی تبدیل شوند. دوم، در بسیاری از تئوری‌ها و مدل‌های اقتصادی و مالی از شکل لگاریتمی متغیرها استفاده می‌شود. سوم، لگاریتم سبب می‌شود تا ضرایب بهتر تفسیر گردند. چهارم، لگاریتم منجر به هموارسازی متغیرها شده و از آنجایی که ممکن است تغییرات متغیر

زیاد باشد، این تغییرات هموار می‌شوند. با توجه به مزایای پیش گفته، اما برآورد شاخص حاکمیت قانون مربوط به کشورمان در بازه زمانی پژوهش منفی بوده است که این امر لگاریتم از آنها را غیرممکن ساخته است. جهت رفع این مشکل، کل برآوردهای شاخص حاکمیت قانون به اضافه ۵ واحد گردیده و سپس از لگاریتم آنها در تخمین مدل استفاده شد.

#### متغیرهای کنترلی

**NonCashTrans:** کانگ و همکاران (۲۰۱۶) اعتقاد دارند که پیامدهای وقوع معاملات غیرنقدی در دریافتی‌ها و پرداختی‌های ترازنامه است. با توجه به ماهیت تعهدی این معاملات، آزادی عمل و اختیار مدیران افزایش می‌یابد که ممکن است مدیریت سود را تحت تاثیر قرار دهد. در این پژوهش، معاملات غیرنقدی طبق یادداشت‌های توضیحی که جهت کاهش ناهمسانی واریانس بر دارایی‌های آغاز دوره تقسیم شده است، اندازه‌گیری شده است.

**DEBT:** بازنگری پیشینه پژوهش از این موضوع حکایت دارد که بدهی در وقوع مدیریت سود نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. بدین صورت که هرگاه میزان تأمین مالی، تعهدات شرکت را پاسخگو نباشد و احتمال ورشکستگی افزایش یابد، مدیران برای جلوگیری از عدم ایفای تعهدات اقدام به دست‌کاری ارقام تعهدی می‌کنند (گوپتا و همکاران، ۲۰۰۸). در این پژوهش، نسبت بدهی از تقسیم بدهی‌های جاری بر مجموع بدهی‌ها محاسبه شده است.

**SIZE:** اندازه شرکت که برابر است با لگاریتم فروش شرکت. دلیل استفاده از فروش به جای دارایی‌های شرکت، مربوط بودن متغیر فروش نسبت به دارایی‌ها بوده که مربوط به همان دوره قلمداد شده و شرایط تورمی را نیز در برمی‌گیرد.

**Constraint:** مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که یکی از دلایل مدیریت سود محدودیت در تأمین مالی است. ونگسای وی<sup>۹۷</sup> (۲۰۱۲) معتقد است معتقد است بنگاه‌هایی که دارای محدودیت تأمین مالی هستند، در شرایط دسترسی به فرصت‌های سرمایه‌گذاری ارزشمند، از ارقام تعهدی اختیاری جهت بیش‌نمایی ارزش شرکت بهره‌گرفته تا با محدودیت کمتری به منابع مالی دست یابند. این در حالی است شرکت‌هایی که در تأمین مالی محدودیت کمتری دارند، جهت انجام پروژه‌های سرمایه‌گذاری سودآور به وجوه و منابع مالی دسترسی داشته و انگیزه‌ای برای استفاده از ارقام تعهدی اختیاری جهت مدیریت سود ندارند. بنابراین، شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک از محدودیت مالی کمتری برخوردار هستند. در این پژوهش، محدودیت تأمین مالی به عنوان یک متغیر مجازی در نظر گرفته شده است و براساس میانه فروش، شرکت‌ها به دو گروه بزرگ با مقدار صفر و کوچک با مقدار یک تقسیم شده‌اند.

**FCF:** بازنگری ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که مسئله نمایندگی منجر به افزایش رویه‌های مدیریت سود می‌شود (استیورس و نیسکانن<sup>۹۸</sup>، ۲۰۱۴؛ بادرتشر و همکاران<sup>۹۹</sup>، ۲۰۱۳). اگرچه معیارهای مختلفی برای اندازه‌گیری مشکل نمایندگی وجود دارد اما جریان نقدی آزاد یک

مشکل نمایندگی نهفته‌ای است که ممکن است مدیران جهت کاهش ثروت سهامداران هزینه می‌کنند. جریان نقدی آزاد به عنوان مازاد جریان نقدی پس از کسر وجه نقد لازم برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های دارای ارزش فعلی خالص مثبت تعریف می‌شود. بنابراین، معیار مشکل نمایندگی در این پژوهش جریان نقدی آزاد بوده که با استفاده از رابطه ۲ اندازه‌گیری می‌شود:

رابطه (۲)

$$FCF_{it} = (INC_{it} - TAX_{it} - INT_{it} - DIV_{it}) / ASSET_{it-1}$$
 که در آن،  $FCF_{it}$  بیانگر جریان نقدی آزاد؛  $INC_{it}$ ، سود عملیاتی قبل از استهلاک؛  $TAX_{it}$ ، مالیات پرداختی؛  $INT_{it}$ ، هزینه مالی؛  $DIV_{it}$ ، سود سهام پرداختی و  $ASSET_{it-1}$  بیانگر ارزش دارایی‌های در اول دوره است. هر چه مقدار جریان نقدی آزاد بیشتر باشد، بیانگر مشکل نمایندگی بالاتر است. به بیان دیگر، مقادیر مثبت و منفی  $FCF$  به ترتیب بیانگر مشکل نمایندگی بیشتر و کمتر است.

**TOBINQ**: چن و همکاران<sup>۱۰۰</sup> (۲۰۱۰) اعتقاد دارند شرکتهایی که فرصت‌های رشد بالاتری دارند، ممکن است جریانهای نقدی آینده بالاتری داشته باشند. آنها یکی از دلایل این موضوع سطح نگهداشت وجه نقد به واسطه مدیریت سود در نظر گرفتند. در این پژوهش از نسبت کیوتوبین برای سنجش فرصت‌های رشد استفاده شده و به صورت لگاریتم نسبت مجموع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری بدهی به مجموع دارایی‌های شرکت سنجش می‌شود. **Past-Earning**: متغیر مجازی سود دوره گذشته که برابر است با یک اگر شرکت در سال جاری حداقل به سود دوره گذشته دست یابد و در غیر این صورت صفر.

#### ۴- یافته‌ها

##### آمار توصیفی

جدول (۴) که دربرگیرنده آمار توصیفی متغیرها می‌باشد، نشان می‌دهد که میانگین و میانه ارقام تعهدی اختیاری طبق مدل مک نیکولز (۲۰۰۲) به ترتیب ۰/۰۹ و ۰/۰۷ است که به یافته‌های پژوهش رضازاده و همکاران (۱۳۹۹)، فیروزیان‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸) و ناظمی و همکاران (۱۳۹۴) که از این مدل جهت سنجش ارقام تعهدی اختیاری استفاده کرده‌اند، نزدیک بوده است. همچنین، میانگین ارقام تعهدی اختیاری طبق این مدل، کمترین مقدار را در مقایسه با سایر مدل‌ها داشته است. با همچنین این انحراف معیار ارقام تعهدی اختیاری نیز ۰/۱۲ بوده که نشان می‌دهد به طور متوسط انحراف این ارقام با میانگین به طور تقریبی ۰/۱۲ است. میانگین برآورد متغیر حاکمیت قانون در ایران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ توسط بانک جهانی به میزان ۰/۹- بوده است. با توجه به دامنه برآورد (از ۲/۵- تا ۲/۵+)، شاخص حاکمیت قانون در ایران وضعیت مطلوبی ندارد. میانگین جریان نقدی آزاد ۰/۰۴ بوده و علامت

مثبت آن بیانگر وجود مشکل نمایندگی در شرکت‌های نمونه است که از لحاظ علامت همسو با پژوهش نوبخت و برادران حسن‌زاده (۱۳۹۶) و فخاری و عدیلی (۱۳۹۱) بوده و با پژوهش نمازی و شکرالهی (۱۳۹۲) مطابقت ندارد. نسبت  $Q$  توپین نیز با میانگین  $1/8$  که بزرگتر از مقدار یک می‌باشد، از وجود فرصت‌های رشد در شرکت‌ها نمونه حکایت دارد که در راستای پژوهش نمازی و شکرالهی (۱۳۹۲) است. میانگین بدهی‌های کوتاه مدت مقدار  $0/55$  بوده است. این مقدار نشان می‌دهد که به طور متوسط  $0/55$  از مجموع تأمین مالی شرکت‌ها را بدهی‌های کوتاه مدت تشکیل می‌دهد که به طور تقریبی با آماره‌های توصیفی پژوهش نمازی و همکاران (۱۳۹۶) همسو است. همچنین آماره‌های مربوط به متغیر مجازی سود دوره گذشته نیز نشان داد که بیش از نیمی از مشاهدات (به طور برآوردی ۱۲۶۰ مشاهده و ۹۷ شرکت) دست کم به سود سال قبل دست یافته‌اند. به طور کلی نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که میانگین و میانه متغیرها به یکدیگر نزدیک بوده و انحراف معیار پایینی دارند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که توزیع داده‌ها به طور تقریبی نرمال است.

جدول (۴): آمار توصیفی متغیرها

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
قدرمطلق معیار مدیریت سود (مک‌نیکولز)	۰/۰۹۵	۰/۰۷۴	۰/۵۲۳	۰	۰/۰۸۶
قدرمطلق معیار مدیریت سود (جوئز)	۰/۱۲۰	۰/۰۷۲	۵۲/۱۷۰	۰	۱/۱۲۱
قدرمطلق معیار مدیریت سود (دیچاو)	۰/۱۲۱	۰/۰۷۲	۵۲/۱۵۳	۰	۱/۱۲۱
قدرمطلق معیار مدیریت سود (کازنیک)	۰/۱۲۸	۰/۰۶۹	۵۰/۴۷۱	۰	۱/۱۰۲
قدرمطلق معیار مدیریت سود (دیچاو و دیچو)	۰/۰۹۶	۰/۰۷۵	۰/۵۲۲	۰	۰/۰۸۶
قدرمطلق معیار مدیریت سود (کوتاری و همکاران)	۰/۱۱	۰/۰۶۵	۵۲/۱۸۱	۰	۱/۱۲۰
حاکمیت قانون	-۰/۹۰۳	-۰/۹۴۷	-۰/۶۷۹	-۱/۰۵۶	۰/۱۲۶
محدودیت مالی	۰/۵	۰/۵	۱	۰	۰/۵
بدهی‌های کوتاه مدت	۰/۵۵۴	۰/۵۸	۰/۹۱	۰/۰۸۵	۰/۱۹۱
جریان نقدی آزاد	۰/۰۴۳	۰/۰۳۱	۰/۵۸۴	-۱/۶۶۸	۰/۴۷۸
معاملات غیرنقدی	۰/۰۲	۰	۰/۹۸۱	۰	۰/۰۷
سود دوره گذشته	۰/۵۸۳	۱	۱	۰	۰/۴۹۳
اندازه شرکت	۵/۸۸۴	۵/۸۳۵	۸/۶۸۸	۳/۳۰۶	۰/۷۲۹
نسبت کیو توپین	۱/۸۸۵	۱/۵۱۴	۱۹/۲۶۸	۰/۲۲	۱/۳۱۱

جدول (۵) دربرگیرنده همبستگی بین متغیرهای پژوهش بوده که نتایج بیانگر این است همبستگی بین شاخص حاکمیت قانون با مدیریت سود مثبت بوده که همسوی یافته‌های حاصل از رگرسیون بوده است. همچنین با توجه به این که همبستگی بین متغیرهای توضیحی کمتر از  $0/7$  بوده است، می‌توان چنین استنباط نمود که همخطی بین آنها وجود نداشته که مطابق با VIF است.

جدول (۵): ماتریس همبستگی متغیرها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. اقلام تعهدی اختیاری	۱								
۲. حاکمیت قانون	***۰/۰۱	۱							
۳. محدودیت مالی	**۰/۰۲	**۰/۱۹	۱						
۴. نسبت بدهی	**۰/۰۱	**۰/۰۵	**۰/۰۱	۱					
۵. جریان نقدی آزاد	**۰/۴۱	***۰/۰۱	**۰/۰۴	**۰/۰۵	۱				
۶. معاملات غیرنقدی	**۰/۰۱	***۰/۱۲	**۰/۰۶	**۰/۰۸	**۰/۰۱	۱			
۷. سود دوره گذشته	**۰/۰۳	**۰/۰۹	**۰/۰۸	**۰/۰۳	**۰/۰۱	**۰/۰۱	۱		
۸. اندازه شرکت	**۰/۰۲	**۰/۱۸	**۰/۲۶	**۰/۰۸	**۰/۰۵	**۰/۰۱	*۰/۰۸	۱	
۹. نسبت Q توبین	**۰/۰۲	**۰/۳۱	**۰/۰۱	**۰/۰۱۹	*۰/۰۶	**۰/۰۴	**۰/۰۲	**۰/۰۳	۱

\*\*\*،\*\*،\* به ترتیب سطح معناداری ۱، ۵ و ۱۰ درصد را نشان می‌دهد.

### آزمون فرضیه

قبل از اینکه به تجزیه و تحلیل فرضیه پرداخته شود، نتایج برازش مدل پس از کنترل اثرات سال و صنعت نشان می‌دهد که آماره F در سطح اطمینان ۹۹ درصد حاکی از معناداری کلی مدل بوده و مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نیز بیانگر این است که ۰,۷۵ از تغییرات مدیریت سود توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌شوند. علاوه بر این، آماره عامل تورم واریانس نیز برای متغیرهای توضیحی کمتر از ۱۰ بوده که حاکی از نبود وجود همخطی و در راستای یافته‌های مربوط به همبستگی متغیرهاست. همانگونه که نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد، ضریب متغیر حاکمیت قانون ۰/۲۷ و معنادار بوده است. این مقدار نشان می‌دهد که به ازای یک درصد تغییر در حاکمیت قانون، اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیار مدیریت سود به میزان ۰/۲۷ واحد در جهت مستقیم تغییر می‌یابد. به بیان دیگر، بهبود شاخص حاکمیت قانون منجر به افزایش میزان مدیریت سود در شرکت‌های ایرانی می‌شود. پس، حاکمیت قانون با مدیریت سود ارتباط مثبت و معنادار دارد.

در رابطه با متغیرهای کنترلی یافته‌ها بدین صورت بوده است که محدودیت تامین مالی در شرکت‌های کوچک منجر به افزایش مدیریت سود می‌شود. مطابق با پژوهش بلک و لیو<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۷) شرکت‌هایی که دچار محدودیت‌هایی در تامین منابع مالی مورد نیاز هستند، از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان ابزاری جهت انباشت و پنهان‌سازی اطلاعات نامطلوب استفاده می‌کنند. همچنین نسبت بدهی کوتاه مدت ارتباط منفی و معناداری با مدیریت سود دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که اعتباردهندگان کوتاه مدت در مقایسه با اعتباردهندگان بلندمدت تمایل به نظارت و کنترل بیشتر بر عملکرد شرکت‌ها داشته و مدیریت سود کاهش می‌یابد. چرا که اعتقاد بر این است که تأمین مالی بوسیله بدهی‌های کوتاه‌مدت، شرکت‌ها را وادار می‌کند تا عملکرد واقعی شرکت را منعکس کنند که همسو با یافته‌های ترانگ و همکاران<sup>۱۲</sup> (۲۰۲۰) بوده

و با پژوهش‌های نمازی و همکاران (۱۳۹۶) مطابقت ندارد. ترکیب یافته‌های مربوط به محدودیت تأمین مالی و بدهی‌های کوتاه مدت بیانگر نقش تعیین‌کننده ساختار بدهی‌ها و تأمین مالی در مدیریت سود هستند. همچنین نتایج نشان داد شرکت‌های بزرگ بیش از شرکت‌های کوچک دارای فعالیت‌های مدیریت سود بوده که منطبق با فرضیه هزینه سیاسی است. علاوه بر این، جریان‌های نقدی آزاد ارتباط مثبت و معناداری با مدیریت سود دارد. این نتیجه بیانگر این است که دستکاری سود به واسطه جریان‌های نقدی آزاد آسان بوده که در راستای یافته‌های نوبخت و برادران حسن‌زاده (۱۳۹۶) و کاردوسو و همکاران<sup>۱۰۳</sup> (۲۰۱۴) است. همچنین نتایج نشان داد که سود دوره گذشته با مدیریت سود ارتباط مثبت و معنادار دارد. این یافته نشان می‌دهد که یکی از انگیزه‌های مدیریت سود در شرکت‌های نمونه، دستیابی به سود دوره گذشته است. همچنین نسبت Q توبین به عنوان یکی از معیارهای فرصت‌های رشد نیز با مدیریت سود ارتباط مثبت و معنادار دارد. بنابراین، شرکت‌هایی که فرصت‌های رشد بالاتری دارند، به جهت این که به بازار این علامت را مخابره کنند ممکن است به مدیریت سود روی آورند. همچنین معاملات غیرنقدی ارتباط منفی و معناداری با مدیریت سود دارد. یعنی هر چه این نوع معاملات بیشتر باشد، تمایل به مدیریت سود کاهش می‌یابد.

جدول (۶): نتایج آزمون فرضیه (متغیر وابسته: اقلام تعهدی اختیاری طبق مدل مکنیکولز)

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	آماره VIF
حاکمیت قانون	۰/۲۷۰۱	۰/۰۱۸۷	۱۴/۳۹۴۵	۰/۰۰۰۰	۱/۱۹۲۱
محدودیت مالی	۰/۰۱۰۲	۰/۰۰۴	۲/۵۴۳۹	۰/۰۱۱۰	۲/۳۲۹۷
بدهی‌های کوتاه مدت	۰/۱۸۰۴	۰/۰۱۰۴	-۱۷/۲۵۳۵	۰/۰۰۰۰	۱/۰۵۹۸
جریان نقدی آزاد	۰/۰۷۰۳	۰/۰۰۷۴	۹/۳۹۵۸	۰/۰۰۰۰	۱/۱۶۱۱
معاملات غیرنقدی	-۰/۰۴۹۳	۰/۰۱۵۱	-۳/۲۵۶۷	۰/۰۰۱۱	۱/۰۲۶۲
سود دوره گذشته	۰/۰۱۹۹	۰/۰۰۲۴	۸/۲۸۴۱	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۹۹
اندازه شرکت	۰/۰۳۴۵	۰/۰۰۵۱	۶/۷۵۷۷	۰/۰۰۰۰	۲/۳۲۵۱
نسبت کیوتوبین	۰/۰۰۹۹	۰/۰۰۱۲	۷/۹۱۷۸	۰/۰۰۰۰	۱/۰۳۰۸
مقدار ثابت	-۰/۱۲۴۶	۰/۰۳۱۵	-۳/۹۴۶۱	۰/۰۰۰۱	-
ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۷۷ آماره F ۴۲/۹۲۳۷ احتمال آماره F ۰/۰۰۰۰					
اثر سال و صنعت کنترل شد					

## آزمون‌های تکمیلی

تحلیل حساسیت با انواع مدل‌های اندازه‌گیری مدیریت سود به منظور افزایش قابلیت اعتماد و پشتیبانی یافته‌ها از آزمون حساسیت استفاده گردید. بدین صورت که ارتباط بین حاکمیت قانون و انواع مدل‌های جایگزین مدیریت سود مورد آزمون قرار گرفت. همان‌گونه که نتایج در جدول ۷ نشان می‌دهد ارتباط بین حاکمیت قانون و مدیریت سود در همه مدل‌ها مثبت و معنادار بوده که در راستای یافته‌های اصلی پژوهش است.

جدول (۷): نتایج آزمون حساسیت انواع مدل‌های مدیریت سود

متغیر / مدل	جوز		دیچاو و همکاران		کازنیک		دیچاو و دیچو		کوتاری و همکاران	
	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری
حاکمیت قانون	۰/۰۸۲	۰/۰۰۸	۰/۰۸۲	۰/۰۰۰	۰/۰۸۹	۰/۰۰۰	۰/۰۶۱	۰/۰۰۰	۰/۱۳۷	۰/۰۰۰
محدودیت مالی	-۰/۰۰۲	۰/۷۳۱	-۰/۰۰۲	۰/۱۰۱	-۰/۰۰۱	۰/۰۲۸	-۰/۰۰۱	۰/۰۱۱	۰/۰۱۰	۰/۰۱۰
نسبت بدهی جاری	۰/۰۱۸	۰/۲۲۵	-۰/۰۱۷	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۱	۰/۰۰۰	-۰/۰۸۷	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۷	۰/۰۰۰
جریان نقدی آزاد	۰/۰۴۹	۰/۰۰۰	۰/۴۹۶	۰/۰۰۰	۰/۵۰۹	۰/۰۰۰	۰/۶۴۱	۰/۰۰۰	۰/۰۷۰	۰/۰۰۰
معاملات غیر نقدی	۰/۱۲۶	۰/۰۰۰	۰/۱۲۵	۰/۷۷۶	۰/۱۱۶	۰/۴۳۹	-۰/۰۲۳	۰/۰۰۳	-۰/۰۵۰	۰/۰۰۰
سود دوره گذشته	۰/۰۱۱	۰/۰۰۲۶	-۰/۰۱۱۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۱۹	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۳۶	۰/۰۰۰	۰/۰۳۵۵	۰/۰۰۰	۰/۰۲۵	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳۹	۰/۰۰۰	۰/۰۳۳	۰/۰۰۰
نسبت کیوتوبین	-۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۱	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	-۰/۲۱۸	۰/۰۰۰	-۰/۲۱۱	۰/۰۰۰	-۰/۱۴۶	۰/۰۰۰	-۰/۰۳۸	۰/۰۰۰	-۰/۲۵۴	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۰	۰/۴۱	۰/۴۴	۰/۸۵	۰/۷۷					

### اثر صنایع سیاسی

یکی از معیارهای فرعی که جهت اندازه‌گیری شاخص حاکمیت قانون مورد استفاده قرار می‌گیرد، مصونیت از سوء رفتار و کسب منافع توسط نهادهای دولتی و سیاسی است (بانک جهانی، ۲۰۱۹). در مبانی نظری این موضوع مستند شده است کشورهایایی که دارای ساختارهای قانونی استواری هستند، بنگاه‌های اقتصادی با ارتباطات سیاسی نمی‌توانند برتری و مزیت رقابتی قابل ملاحظه‌ای به دست آورند. در حالی که این گونه روابط برای شرکت‌هایی که در محیط‌های دارای سیستم‌های قانونی ضعیف و بی‌ثبات فعالیت دارند، ارزشمند قلمداد می‌شود (گلدمن و همکاران، ۲۰۰۶). بر این اساس، ماهیت دولتی اقتصاد ایران نیز ممکن است میزان پایداری و وفاداری شرکت‌های تحت مالکیت نهادهای دولتی را به قوانین و مقررات تحت تاثیر قرار دهد. به همین جهت و با توجه به ساختار دولتی و شبه دولتی شرکت‌های ایرانی و از آنجایی که مالکیت و نفوذ دولت علیرغم سهامی عام بودن شرکت‌ها قابل توجه است، درصدد بر آمده‌ایم تا این رابطه را در قالب شرکت‌های دولتی و غیردولتی مورد بررسی قرار دهیم. چرا که ممکن است بخشی از ارتباط حاکمیت قانون و مدیریت سود تحت تاثیر مالکیت و ماهیت صنعتی باشد که از سازوکارهای دولتی و شبه دولتی متاثر می‌شوند. بر همین اساس، برای تقویت یافته‌ها، شرکت‌ها را با توجه به صنعتی که در آن فعالیت می‌کنند، به صنایع سیاسی و غیر سیاسی تفکیک نموده و چگونگی این رابطه را در سطح دو گروه مورد سنجش قرار دادیم. به گونه‌ای که صنایع پتروشیمی، داروسازی، پالایشگاه‌ها و فرآورده‌های نفتی، حمل و نقل و ارتباطات، خودروسازی، فلزات اساسی، استخراج کانی‌های فلزی و زغال سنگ جزء صنایع سیاسی تلقی شده‌اند. چون انتظار می‌رود شرکت‌هایی که در این صنایع فعالیت می‌کنند، تابع سیاست‌های دولت بوده و دارای ارتباط سیاسی هستند. همچنین شرکت‌هایی که در سایر صنایع فعالیت می‌کنند، جزء صنایع غیرسیاسی در نظر گرفته شده‌اند. همان گونه که نتایج در جدول ۸ نشان می‌دهد ضریب متغیر شاخص حاکمیت قانون در صنایع سیاسی (شامل ۷۲ شرکت) و



غیرسیاسی (شامل ۹۵) به ترتیب ۰/۳ و ۰/۱۱ بوده که معنادار هستند. جهت بررسی معناداری اختلاف ضرایب شاخص حاکمیت قانون در دو گروه از رویکرد پترنوستر و همکاران<sup>۱۰۴</sup> (۱۹۹۸) استفاده شد. با توجه به نتایج این آزمون، ارتباط حاکمیت قانون با مدیریت سود شرکت‌هایی که در صنایع سیاسی فعالیت می‌کنند در مقایسه با شرکت‌هایی که در سایر صنایع حضور دارند، اختلاف معنادار دارند که این موضوع با توجه به معناداری آماره‌های  $t$  و  $F$  نیز در دو گروه قابل مشاهده است. علاوه بر این، ضریب مثبت متغیر حاکمیت قانون در هر دو گروه همسو با یافته‌های اصلی پژوهش بوده است.

جدول (۸): نتایج ارتباط بین حاکمیت قانون و مدیریت سود بر اساس صنایع سیاسی و صنایع غیرسیاسی

نوع صنعت متغیر	صنایع سیاسی (۷۲ شرکت)		صنایع غیرسیاسی (۹۵ شرکت)		معناداری
	ضریب	خطای استاندارد	ضریب	خطای استاندارد	
حاکمیت قانون	۰/۳۰۸	۰/۰۳۰	۰/۱۱۰	۰/۰۱۸	۰/۰۰۰
محدودیت مالی	۰/۰۱۴	۰/۰۰۶	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۲۵۹
نسبت بدهی جاری	-۰/۱۹۴	۰/۰۱۶	-۰/۰۸۲	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰
جریان نقدی آزاد	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۵	-۰/۶۶۴	۰/۰۱۴	۰/۰۰۰
معاملات غیرنقدی	-۰/۱۴۵	۰/۰۳۰	۰/۰۰۳۹	۰/۰۱۷	۰/۸۲۲
سود دوره گذشته	۰/۰۲۲	۰/۰۰۳	۰/۰۱۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۵۰۱	۰/۰۰۸	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۶۳۵
نسبت کیوتوین	۰/۰۰۸	۰/۰۰۱۸	-۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۸۷۲
مقدار ثابت	-۰/۱۹۳	۰/۰۵۱	۰/۰۴۳	۰/۰۳۲	۰/۱۷۱
اثر سال و صنعت	کنترل شد	کنترل شد	کنترل شد		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۲		۰/۸۴		
معناداری آماره F	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰۰		
نتایج آزمون پترنوستر					۰/۰۰۰۰
آماره $t$					۰/۰۰۰۰
آماره F					۵/۵۳۸۲
					۳۰/۶۷۱۶

### ارتباط بین حاکمیت قانون و مدیریت سود در دوره‌های سیاسی مختلف (تغییر دولت‌ها)

بررسی نمودار روند تغییرات شاخص حاکمیت قانون (شکل یک) طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که این متغیر طی دو دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ که با تغییر ساختار سیاسی همراه بوده است، برآوردهای متفاوتی را نشان داده است. به گونه‌ای که میانگین این شاخص در دوره سیاسی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ برابر با ۰,۹۵- و در دوره سیاسی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ ۰,۸- بوده است. با توجه به این که عوامل سیاسی یکی از مؤلفه‌های تاثیر گذار هم بر حاکمیت قانون (بانک جهانی، ۲۰۱۹) و هم بر مدیریت سود (وی و همکاران، ۲۰۱۲؛ ایمانی‌برندقی و هاشمی، ۱۳۹۷؛ نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲) محسوب می‌شود، اهمیت دارد تا این پرسش که آیا با تغییر دولت‌ها، ارتباط بین حاکمیت قانون و مدیریت سود تحت تاثیر قرار می‌گیرد، بررسی شود. به همین جهت، از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ به عنوان یک دوره سیاسی و از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ به عنوان دوره سیاسی دیگر لحاظ شده است. همان گونه که نتایج در جدول ۹ نشان می‌دهد اگر چه ضریب شاخص حاکمیت قانون در دو دوره سیاسی مورد بررسی به ترتیب

۰/۲۹ و ۰/۱۷ بوده است اما این ضرایب طبق آماره‌های t و F پترنوستر و همکاران (۱۹۹۸) اختلاف معناداری با یکدیگر ندارند. بنابراین، تغییر دولتها طی دوره‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ و ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ ارتباط بین حاکمیت قانون و مدیریت سود را تحت تاثیر قرار نداده است. این نتیجه به طور غیر مستقیم با پژوهش ایمانی‌برندق و هاشمی (۱۳۹۷) که نشان داده‌اند مدیریت سود در دوره‌های سیاسی مختلف اختلاف معنادار با یکدیگر دارند، همسو نیست.

جدول (۹): نتایج ارتباط بین حاکمیت قانون و مدیریت سود در دوره‌های سیاسی مختلف

دوره سیاسی متغیر	از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ (۱۳۳۶ مشاهده)		از ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ (۱۰۰۲ مشاهده)		معناداری
	ضریب	خطای استاندارد	ضریب	خطای استاندارد	
حاکمیت قانون	-۰/۲۹۵	۰/۰۶۷	۰/۱۷۲	۰/۰۳۴	۰/۰۰۰
محدودیت مالی	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۳	۰/۰۲۶
نسبت بدهی جاری	-۰/۱۹۸	۰/۰۱۰	-۰/۱۴۶	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰
جریان نقدی آزاد	-۰/۴۶۹	۰/۰۱۶	۰/۶۵۴	۰/۰۱۸	۰/۰۰۰
معاملات غیرنقدی	-۰/۰۵۲	۰/۰۳۶	-۰/۰۰۳	۰/۰۱۳	-۰/۹۷۸
سود دوره گذشته	۰/۰۱۱	۰/۰۰۲	۰/۰۱۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۱۰	۰/۰۰۳	۰/۰۱۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
نسبت کیوتوبین	-۰/۰۲۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۹	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	۰/۰۱۵	۰/۰۲۲	-۰/۰۷۵	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰
اثر سال و صنعت	کنترل شد	کنترل شد	کنترل شد	کنترل شد	۰/۸۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۰		۰/۸۰		
احتمال آماره F	۰/۰۰۰۰		۰/۰۰۰۰		
نتایج آزمون پترنوستر					
آماره t			۱/۶۴۰۳		۰/۱۰۴۰
آماره F			۲/۶۹۰۵		۰/۱۰۲۹

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

مدیریت سود یکی از زمینه‌های پژوهشی است که مطالعه عوامل تاثیر گذار بر آن از مؤلفه‌های خاص شرکتها به مؤلفه‌های عام و کلان مانند اقتصاد، سیاست، حقوق، فرهنگ، اخلاق تغییر جهت داده است. این در حالی است که تشریح ارتباط هر یک از این عوامل به طور جداگانه با مدیریت سود به یافته‌های متناقضی منجر شده است که ممکن است از قدرت تعمیم‌دهی آن بکاهد. به همین جهت به معیاری نیاز است تا این عوامل را با یکدیگر ترکیب نماید. حاکمیت قانون یکی از بنیادها و مفاهیم بین رشته‌ای است که بسیاری از این عوامل را در بر می‌گیرد. بنابراین، پژوهش حاضر درصدد بوده است تا ارتباط بین حاکمیت قانون و مدیریت سود را مورد بررسی قرار دهد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین شاخص حاکمیت قانون و مدیریت سود ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب این متغیر ۰/۲۷ بوده است که نشان می‌دهد که به ازای یک درصد تغییر در برآورد حاکمیت قانون، میزان مدیریت سود ۰/۲۷ در جهت مستقیم تغییر می‌کند. در نتیجه، هر چه نمره شاخص حاکمیت قانون بیشتر باشد، میزان مدیریت سود نیز

افزایش می‌یابد که در راستای یافته‌های ریاحی - بلکویی و النجار (۲۰۰۶) بوده است. علاوه- براین، یافته‌های آزمون تکمیلی نیز نشان داده است ارتباط حاکمیت قانون با مدیریت سود شرکت‌هایی که در صنایع سیاسی فعالیت می‌کنند در مقایسه با شرکت‌هایی که در سایر صنایع حضور دارند، شدیدتر بوده است. طبق این یافته می‌توان گفت که ماهیت صنایع سیاسی مبتنی بر رقابت نبوده و بر اساس نفوذ، قدرت و انحصار شکل می‌گیرد. همچنین نتایج نشان داد که ارتباط بین حاکمیت قانون و مدیریت سود در دوره‌های سیاسی مختلف تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. چنین یافته‌هایی براساس نظریه نمایندگی و رویکرد فرصت‌طلبانه قابل تفسیر و تبیین است. بهبود شاخص حاکمیت قانون منجر به افزایش مدیریت سود شده است که ممکن است ناشی از انگیزه مدیران جهت دستیابی به منافع شخصی باشد. چرا که رعایت و اولویت محض مواد قانونی ممکن است دستیابی مدیران به برخی از منافع و امتیازهای ویژه را محدود کند. به همین جهت، آنها برای جبران این محدودیت‌ها ممکن است به گزینه‌های فرصت‌طلبانه ناشی از رویه‌های حسابداری و دستکاری ارقام مالی روی آورده و در نتیجه سطح بالاتری از عدم دستیابی به سود حاصل می‌شود. علاوه براین، رعایت کامل قوانین و مقررات جهت تنظیم و هدایت اهداف تجاری و اقتصادی بنگاه‌ها نیز ممکن است خلافت و نوآوری را در راستای دستیابی به سود هدف با چالش روبرو سازد. در چنین شرایطی سطح پاسخگویی مدیران کاهش یافته و انگیزه آنها جهت کتمان فعالیت‌های واقعی شرکت‌ها به واسطه رویه‌های مدیریت سود افزایش یابد. این نتیجه با پژوهش ریاحی-بلکویی و النجار (۲۰۰۶) نیز همسو است که نشان داده‌اند هر چه سطح حاکمیت قانون افزایش یابد، میزان پاسخگویی کمتر شده که این مسئله کیفیت اطلاعات حسابداری را به واسطه رویه‌های مدیریت سود کاهش می‌دهد.

این پژوهش می‌تواند یک بستر پژوهشی جدیدی از آن جهت که از مفاهیم بین رشته‌ای مانند حاکمیت قانون نیز می‌توان در تبیین مباحث مالی و حسابداری استفاده شود، ایجاد نماید. چرا که حاکمیت قانون این قابلیت را دارد که بستر مناسبی را برای بسیاری از زمینه‌ها مانند حاکمیت شرکتی، حسابرسی، افشاء و غیره ایجاد نموده و منجر به توسعه تدریجی بازار سرمایه ایران گردد. علاوه براین، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند پیامدهای عملی و کاربردی در حوزه سیاست‌گذاری نیز به دنبال داشته باشد. بدین صورت که در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی (مانند رشد و توسعه اقتصادی) می‌توان به تشریح ابعاد حاکمیت قانون و تأثیری که این حوزه بر توسعه و تکامل بازارها داشته باشد، پرداخته شود.

با توجه به این که نتایج نشان داد پیوندی بین حاکمیت قانون و مدیریت سود وجود دارد، به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد می‌شود با بر ضمانت‌های اجرایی قوانین به جای تصویب قوانین گوناگون در راستای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران تمرکز نماید. همچنین به سازمان بورس و اوراق بهادار نیز پیشنهاد می‌شود تا چک لیستی به منظور رعایت ابعاد حاکمیت قانون

در سطح شرکت‌ها که دربرگیرنده مؤلفه‌هایی مانند نفوذ افراد و نهادهای سیاسی، فساد و تقلب، رعایت حقوق مالکیت، حسن اجرای قراردادهای نمایندگی باشد، تدوین نماید. به جامعه حسابداران نیز به عنوان نهاد حرفه‌ای حسابداری پیشنهاد می‌شود تا جهت ارتقای اعتبار حرفه حسابداری به عوامل نهادی مانند حاکمیت قانون توجه ویژه‌ای نماید.

در انجام این پژوهش یکسری محدودیت‌هایی وجود داشته است. نخستین محدودیت مربوط به متغیرهای نرخ تورم و تولید ناخالص داخلی بوده است که به دلیل همبستگی و همخطی شدیدی که با شاخص حاکمیت قانون ایجاد کرده‌اند، امکان بررسی آنها فراهم نگردیده است. دوم، اگر چه بین حاکمیت قانون و مدیریت سود ارتباط معناداری وجود داشته است اما این پژوهش به طور خاص کانال‌هایی که ممکن است از طریق آن مدیریت سود تحت تاثیر قرار گیرد، مشخص نمی‌کند. در پژوهش‌های آینده این موضوع می‌تواند با تمرکز بر چگونگی تصمیم‌گیری مدیران در گزارش‌های مالی از طریق مطالعات موردی و رفتاری به شناسایی این کانال‌ها پرداخته شود. سوم، در برخی از صنایع تعداد شرکت‌ها کم بوده که ممکن است نتایج را تحت تاثیر قرار دهد.

در پژوهش‌های آینده می‌توان ابعاد حاکمیت قانون به طور جداگانه بر مدیریت سود و زمینه‌های غیرقانونی که ممکن است منافع سهامداران را تحت تاثیر قرار دهد، مطالعه گردد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که حاکمیت قانون منجر به مدیریت سود کمتر نمی‌شود. این موضوع ممکن است با ضعف اجرای قوانین در زمینه‌هایی مانند حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، نبود شفافیت و افزایش فساد پاسخ داده شود که نیاز به مطالعات بیشتری در این زمینه است.

## یادداشت‌ها

۱- بحران‌های مالی ۱۹۲۹ ایالات متحده، ۱۹۸۶ ژاپن، ۱۹۹۷ منطقه آسیا، ۲۰۰۷ منطقه اروپا و همچنین رسوایی‌های حسابداری شرکت‌های معروف و بزرگی مانند انرون در سال ۲۰۰۱ سبب شد تا انتقادات زیادی به اطلاعات ارایه شده توسط سیستم حسابداری شود. همچنین، دیوان محاسبات ایالات متحده نیز در گزارشی اعلام کرده است که ۳۹ درصد از صورت‌های مالی تجدید ارایه شده طی سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲ به خاطر عدم رعایت معیارهای شناخت درآمد و سود بوده است.

- 2- Leuz, Nanda & Wysocki
- 3- Baginski, Hassell & Kimbrough
- 4- Scott
- 5-Lourenço, Rathke, Santana & Branco
- 6- Perols & Lougee
- 7- Agrawal & Chatterjee
- 8-Agustia, Muhammad & Permatasari
- 9-Subramanyam
- 10-Healy & Palepu
- 11-Healy & Wahlen
- 12- Brown

- 54- Absence of Corruption
- 55-Open Government
- 56-Fundamental Rights
- 57-Order and Security
- 58-Regulatory Enforcement
- 59-Civil Justice
- 60-Criminal Justice
- 61-Jensen & Meckling
- 62-Keasey, Thompson & Wright
- 63-La Porta, Lopez-De-Silanes, Shleifer & Vishny
- 64-Barro

- 13-Fontevvecchia
- 14-Giroux
- 15- Creswell
- 16- Tomy
- 17-Jenkins, Kane & Velury
- 18-Chen, Cheng & Hao
- 19-Kyriakou, Iatridis & Dimitras
- 20-Correia
- 21-Jooste
- 22-Rafik
- 23-Goldman, Rocholl & So
- 24-Rule of Law
- 25-Interdisciplinary
- 26- Kuran & Rubin
- 27-Nollkaemper, Wouters & Hachez
- 28- Riahi-Belkaoui & Al-Najjar
- 29- Godsell, Welker & Zhang
- 30-Knack & keefer
- 31- Knack
- 32-Li & Li
- 33-Xu
- 34-Hasan
- 35-Haggard MacIntyre & Tiede
- 36- Ranasinghe & Restuccia
- 37- Tili & Ramakers
- 38- Godfrey & Hodgson
- 39- Hrat
- 40- Michalopoulos & Papaioannou
- 41- - Kilpatrick
- 42 Schill
- 43- Stoll
- 44- Castellarin
- 45- Yu
- 46-Transparency International
- 47- Hunton, Libby & Mazza
- 48- International Financial Reporting Standards (IFRS)
- 49- Criminology
- 50- MohdNoor, Sanusia, Heang, Iskandar & Isa
- 51- Gul, Chen & Tsui
- 52- Worldwide Justice Project (WJP)
- 53- Constraints on Government Powers
- 65-Collins, Pungaliya, Vijh
- 66-Porumbescu
- 67-Popescu, Ciora & Tandareanu
- 68-United Nations Development Program (UNDP)
- 69-Vladu & Cuzdriorean
- 70-Bushman & Piotroski
- 71-An, Li & Yu
- 72-La Porta, Lopez-De-Silanes, Shleifer & Vishny
- 73-Zingales
- 74-Wurgler
- 75-Ng
- 76-Lang, Lins & Maffett
- 77-Huijgen & Lubberink
- 78-Lang, Raedy & Yetman
- 79-Memiş & Çetenak
- 80-Beuselinck, Cascino, Deloof & Vanstraelen
- 81-Baatour & Othman
- 82-Alikaj, Nguyen & Ning
- 83-Allen, Qian & Qian
- 84-Kashmiri
- 85-Healy
- 86-De Angelo
- 87-Jones
- 88-Dechow, Sloan & Sweeney
- 89-Kaszniak
- 90-Dechow & Dichew
- 91-McNichols
- 92-Kothari, Leone & Wasley
- 93-Akaike info criterion
- 94-Schwarz criterion
- 95-Hannan-Quinn criter
- 96-Worldwide Governance Indicators
- 97-Wongsunwai
- 98-Steijvers & Niskanen
- 99-Badertscher, Sharon & Sonja
- 100-Chen, Chen, Cheng & Shevlin
- 101-Bleck & Liu
- 102-Trung, Liem, Thuy & Elgammal
- 103-Cardoso, Martinez & Teixeira
- 104-Paternoster, Brame, Mazerolle & Piquero

## کتابنامه

- ایمانی برندق، محمد؛ هاشمی طاهر(۱۳۹۷). بررسی تأثیر عوامل سیاسی بر مدیریت سود. دانش حسابرسی، ۱۸(۷۱): ۷۷-۹۰.
- باغومیان، رافیک؛ محمدی، حجت؛ طاهری، منصور(۱۳۹۶). رکود اقتصادی و مدیریت سود. حسابداری مدیریت، ۱۰(۳۲): ۲۹-۴۲.
- بهارمقدم، مهدی. و کوهی، علی. (۱۳۸۹)، بررسی نوع مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران، دانش حسابداری، ۱۲(۱): ۷۵-۹۳.
- تاری وردی، یداله؛ مرادزاده فرد، مهدی؛ رستمی، مریم(۱۳۹۳). تاثیر مدیریت سود بر دقت پیش بینی جریان های نقدی عملیاتی آتی. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۶(۲۱): ۱۴۱-۱۷۲.
- حیدری، حسن؛ علی نژاد، رقیه(۱۳۹۳). بررسی تأثیر متغیر نهادی حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی در هشت کشور بزرگ اسلامی. دانشنامه حقوق اقتصادی، ۲۱(۵): ۹۸-۱۱۹.
- خلیفه سلطانی، سید احمد؛ برزگر، غزاله(۱۳۹۵). رابطه مخاطرات اخلاقی و مدیریت سود. دانش حسابداری، ۷(۲۴): ۶۷-۹۰.
- دامن کشیده، مرجان؛ خدابخش، سعید(۱۳۹۱). بررسی تأثیر مقررات کسب و کار و سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در کشورهای G77. اقتصاد مالی، ۶(۲۱): ۸۳-۱۱۲.
- دقیقی اصلی، علی رضا؛ گرای نژاد، غلامرضا؛ آقابگیان، سلین(۱۳۹۲). اثر حکمرانی خوب بر سطح فساد اقتصادی در کشورهای با سطح توسعه یافتگی متوسط. فصلنامه علمی - پژوهشی فرایند مدیریت و توسعه، ۲۶(۴): ۳-۲۴.
- دیانتی دیلمی، زهرا؛ طیبی، وحید(۱۳۹۰). تأثیر فرهنگ سازمانی بر کیفیت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت، ۴(۱۱): ۱-۱۲.
- ذوالفقاری، مهدی؛ طالب نیا، قدرت اله؛ پورزمانی، زهرا(۱۳۹۸). مدیریت سود فرصت طلبانه و کارآ و رابطه آن با محدودیت های مالی: آزمون فرضیه بدهی تئوری های اثباتی حسابداری. پژوهش های تجربی حسابداری، ۹(۳): ۱-۲۳.
- سلاطین، پروانه؛ غفاری صومعه، نیلوفر؛ محمدی، سمانه(۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر کسری بودجه با تأکید بر حاکمیت قانون. سیاست های مالی و اقتصادی، ۶(۲۲): ۱۲۳-۱۵۸.
- شجاعیان، خدیجه(۱۳۹۶). مولفه های اصل حاکمیت قانون در پرتو تعریف سازمان ملل متحد. جستارهای حقوق عمومی، ۱(۳): ۱-۳.

فخاری، حسین؛ فقیه، محسن (۱۳۹۶). مطالعه اثر تعدیل‌کنندگی سازوکارهای راهبری شرکتی بر ارتباط بین مدیریت سود و قدرت پیش‌بینی‌کنندگی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۱۹(۱): ۱۲۵-۱۶۹.

فخاری، حسین؛ عدیلی، مجتبی (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین جریان‌های نقدی آزاد و مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۹(۴): ۶۳-۷۸.

فیضی، حمیده؛ برادران حسن زاده، رسول (۱۳۹۸). تاثیر انعطاف‌پذیری مالی و محدودیت در تامین مالی بر مدیریت سود. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۱(۴۳): ۸۵-۱۰۲.

کردستانی، غلامرضا؛ تاتلی، رشید (۱۳۹۳). شناسایی رویکردهای کارا و فرصت‌طلبانه مدیریت سود در سطوح کیفیت سود. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱(۳): ۲۹۳-۳۱۲.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲). *دفتر مطالعات اقتصادی*.

محمدرضائی، فخرالدین؛ خسرویان، ایمان؛ دولت زارعی، احسان (۱۳۹۹). تجدید ارزیابی دارایی‌ها و مدیریت سود. *دانش حسابداری مالی*، ۷(۲): ۳۱-۶۱.

نیکومرام، هاشم؛ بنی مهد، بهمن؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ کیائی، علی (۱۳۹۲). دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود. *حسابداری مدیریت*، ۶(۱۸): ۳۱-۴۳.

نمازی، محمد؛ حاجیها، زهره؛ چناری بوکت، حسن (۱۳۹۶). تأثیر ساختار سررسید بدهی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۹(۳۴): ۳۰-۱.

نمازی، محمد؛ شکراللهی، احمد (۱۳۹۲). بررسی تعامل بین جریان نقدی آزاد، سیاست بدهی و ساختار مالکیت با استفاده از سیستم معادلات همزمان؛ مطالعه موردی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۵(۲): ۱۶۵-۲۰۶.

نوبخت، مریم؛ برادران حسن زاده، رسول (۱۳۹۶). تأثیر جریان‌های نقد آزاد بر مدیریت سود واقعی و تصنعی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۴(۳): ۴۲۱-۴۴۰.

وديعی، محمد حسین؛ عباس زاده، محمد رضا؛ غنبرانی، صالح (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر اخلاقی در مدیریت سود. *دانش حسابداری مالی*، ۲(۳): ۶۵-۷۷.

## References

- Agrawal, Kh. Chatterjee, Ch. (2015). Earnings Management and Financial Distress: Evidence from India. *Global Business Review, International Management Institute*, 16(5): 140-154.
- Agustia, D., N, P, A, Muhammad., Permatasari, Y. (2020). Earnings management, business strategy, and bankruptcy risk: evidence from Indonesia, *Heliyon*, 6(2): 17-133.

- Alikaj, A., Nguyen, C, N., Ning, W. (2014). Louisiana's Distinct Legal System and its Effect on Earnings Management. *International Journal of Business and Social Science*, 5, 11(1): 161-168.
- Allen, F., Qian, J., Qian, M. (2002), Law, Finance, and Economic Growth in China. *Journal of Financial Economics*, 77(1): 57-116.
- An, Z., Li, D., Yu, J. (2016). Earnings Management, Capital Structure, and the Role of Institutional Environments. *Journal of Banking & Finance*.
- Asgarnejad, B., Moradi joz, M., Khaledi, N. (2016), Product Market Power, Industry Structure, and Corporate Earnings Management: Evidence from Tehran Stock Exchange, 4(2): 13, 1-14. (In Persian)
- Badertscher, A. Sharon, K., Sonja, R. (2013). The separation of ownership and control and corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 56: 228–250.
- Baghoumian, R., Mohammadi, H., Taheri, M. (2017). Economic Downturn and Earnings Management. *Management Accounting*, 10(32): 29-42. (In Persian)
- Baginski, S, P., Hassell, J, M., Kimbrough, M, D. (2002) The Effect of Legal Environment on Voluntary Disclosure: Evidence from Management Earnings Forecasts Issued in U.S. and Canadian Markets. *The Accounting Review*, 77(1): 25-50.
- Baharmoghaddam, M. Kouhi, A. (2010). Investigation Type of Earnings Management in the Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 1(2):75–93. (In Persian)
- Barro, R. J. (2000). Rule of law, Democracy and Economic Performance. *Index of Economic Freedom*, 31-49.
- Baatour, K., Othman, H, B. (2016). Legal origin, economic freedom and earnings management practices: MENA evidence. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 12(1): 1-23.
- Beuselinck, Ch., Cascino, S., Deloof, M., Vanstraelen, A. (2019). Earnings Management within Multinational Corporations. *The Accounting Review*, 94 (4): 45-76.
- Bleck, A., Liu, X. (2007). Market transparency and the accounting regime. *Journal of Accounting Research*, 45 (2): 229-256.
- Brown, T, J. (2014). Advantageous Comparison and Rationalization of Earnings Management. *Journal of Accounting Research*, 52(4): 849-876.
- Bushman, R., Piotroski, J. (2006). Financial reporting incentives for conservative accounting: The influence of legal and political institutions. *Journal of Accounting and Economics*, 42 (1/2): 107–148.
- Cardoso, F, Martinez, A., Teixeira, A. (2014). Free cash flow and earnings management in Brazil: The negative side of financial slack. *Global Journal of Management and Business Research: D Accounting and Auditing*, 14 (1): 84-95.



- Castellari, E. (2020). Investment arbitration and the international rule of law. Rule of Law at the Beginning of the Twenty-First Century, HAL Id: hal-02490162.
- Chen, S. Chen, X. Cheng, Q & Shevlin, T. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *Journal of Financial Economics*, 95: 41-61.
- Chen, X., Cheng, Q., Hao, Y. (2020). GDP growth incentives and earnings management: evidence from China. *Rev Account Stud*, 25.
- Collins, D. W., Pungaliya, R. S., Vijh, A. M. (2017). The Effects of Firm Growth and Model Specification Choices on Tests of Earnings Management in Quarterly Settings. *The Accounting Review*, 92(2): 69-100.
- Correia, M. M. (2012). Political Connections, SEC Enforcement and Accounting Quality. Rock Center for Corporate Governance at Stanford University Working Paper.
- Creswell, J. (2002). Revenge of the Bean Counters: The SEC Is Cracking Down on Corporate Crime with a Record of Number of Probes. And it's Just Getting Warmed Up. *Fortune*, 22.
- Dechow, P. M., Sloan, R.G., Sweeney, A. P. (1995). Detecting Earnings Management. *The Accounting Review*, 70(2): 193-225.
- Dechow, P.M., Dichev, I. D. (2002). The Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors. *The Accounting Review*, 77: 35-59.
- Dianati Deylami, Z., Tayebi, V. (2011). The effect of organizational culture on earnings quality of firms listed on Tehran Stock Exchange. *Management Accounting*, 4, 12(1): 1-12. (In Persian)
- Fakhari, H., adili, M. (2013). An Investigation of Relationship between Free Cash Flow and Real Earnings Management in Iranian listed Companies. *Accounting and Auditing Review*, 19(4): 63-78. (In Persian)
- Fakhari, H., Faghih, M. (2017). A Study of Moderating Effect of Corporate Governance on the Relationship Between Earning Management and Earning Predictability in TSE. *Journal of Accounting Advances*, 9(1): 125-169. (in Persian)
- Feizi, H., Baradaran Hasanzadeh, R. (2019). The Impact of Financial Flexibility and Financial Constraints on Earnings Management. *Accounting and Auditing Research*, 11(43), 85-102. (In Persian)
- Fontevicchia, A. (2013). NQ Mobile a 'Massive Fraud' Worth \$0, Muddy Waters Says as \$500M Is Wiped Out in Minutes. *Forbes*.
- Giroux, G. (2003). Detecting Earnings Management. New York: Wiley.
- Godfrey, J., Hodgson, A. (2013). Accounting Theory.
- 33.Godsell, D., M. Welker, M., Zhang, N. (2017). Earnings management during antidumping investigations in Europe: Sample-wide and cross-sectional evidence. *Journal of Accounting Research*, 55 (2): 407-457.
- Goldman, E., Rocholl, J., So, J. (2006). Do politically connected boards affect firm value? Working paper, University of North Carolina at Chapel Hill.

- Gul, F. A., Chen, C. J. P., Tsui, J. S. L. (2003). Discretionary accounting accruals, managers' incentives, and audit fees. *Contemporary Accounting Research*, 20: 441-464.
- Gupta, M., Khurana, I., Pereira, R., (2008), "Legal Enforcement, Short Maturity Debt, and the Incentive to Manage Earnings". *Journal of Law and Economics* 51: 619-639.
- Haggard, S. (2010). *The Rule of Law and Economic Growth: Where Are We? The University of Texas.*
- Haggard, S., MacIntyre, A., Tiede, L. (2008). The Rule of Law and Economic Development. *Reviews in A dvance*, 205-234.
- Hart, O. (2001). Financial contracting. *Journal of Economic Literature*, 39, 1079-1100.
- Hart, Oliver. (1995). *Firms, Contracts, and Financial Structure*. Oxford: Oxford University Press.
- Hasan, L. (2010). Rule of Law, Legal Development and Economic Growth: Perspectives for Pakistan. *MPRA Paper*, 1-25.
- Healy, P., Wahlen, J. (1999). A Review of the Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting, *Accounting Horizons*, 13(4): 120-152.
- Healy, P., Palepu, K. (2001). Information Asymmetry, Corporate Disclosure, and the Capital Markets: A Review of the Empirical Disclosure Literature. *Journal of Accounting and Economics*, 31: 405-40.
- Huijgen, C., Lubberink, M. (2003), Earnings conservatism, litigation, and contracting: The case of cross-listed firms. Working paper, University of Groningen and Lancaster University.
- Hunton, J., R. Libby, Mazza, C. (2006). Financial Reporting Transparency and Earnings Management. *The Accounting Review*, 81: 135-58.
- Jenkins D.S., Kane, G.D., Velury, U. (2009). Earnings Conservatism and Value Relevance across the Business Cycle. *Journal of Business Finance and Accounting*, 36(9): 105-141.
- Jensen, M. C., Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and ownership structure. [http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=94043](http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=94043). [Online]
- Jones, J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, 29: 193-228.
- Jooste, L. (2014). A comparison of ethical perceptions of earnings-management practices -MENA region and USA. *Journal of Global Business and Economics Review*, 16(1), 46-59.
- Kang, M, Lee, M, Lee, H, Park, J. (2016). Related-party transactions and financial statement comparability: evidence from South Korea, *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*: 23(2): 224-252.

- Kashmiri, H. (2014). Testing Accruals Based Earnings Management Models in an International Context. Master of Business Studies in Accountancy, at Massey University, Albany, New Zealand.
- Keasey, K., Thompson, S. Wright, M. (2005). Corporate Governance: Accountability, Enterprise and International Comparisons. John Wiley & Sons Inc.
- Kaszniak, R. (1999). On the association between voluntary disclosure and earnings management. *Journal of Accounting Research*, 37(1): 57-81.
- Khalife Soltani, S. A., Barzegar, Gh. (2016). Moral Hazard and Earnings Management. *Journal of Accounting Knowledge*, 7(24): 67-90. (In Persian)
- Kilpatrick, C. (2015). On the Rule of Law and Economic Emergency: The Degradation of Basic Legal Values in Europe's Bailouts. *Oxford Journal of Legal Studies*, 25(2): 325-353.
- Knack, S. Keefer, P. (2003). Does social capital Have an Economic Payoff: A cross country empirical investigation, in Knack, S. (Ed), Democracy Governance and Growth, Ann Arbor: The university of Michigan Press.
- Knack, S. (Ed), (2003). Democracy, Governance and Growth, Ann Arbor: The University of Michigan Press.
- Kordestani, Gh., Tatli, R. (2014). Identification the Efficient and Opportunistic Earnings Management Approaches in the Earnings Quality Levels. *Accounting and Auditing Review*, 21(3): 293-312. (In Persian)
- Kothari, S. P., Leone, A., Wasley, C. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39 (1): 163-197.
- Kuran, T., Rubin, J. (2018). The Financial Power of the Powerless: Socio-economic Status and Interest Rates under Partial Rule of Law. *Economic Journal*, 128(609): 758-796.
- Kyriakou, M. I., Iatridis, G. & A.I. Dimitras, A. I. (2015). Financial Crisis, GDP Variation and Earnings Management in Europe. *Research in International Business and Finance*, 78(4): 338-354.
- La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., Vishny, R. (1997). Legal determinants of external finance. *Journal of Finance*, 52: 1131-1150.
- La Porta, R., Lopez-De-Silanes, F., Shleifer, A., Vishny, R. (1999). The Quality of Government. *Journal of Law, Economics and Organization*, 15 (1): 1113-1155.
- La Porta, R., Lopez-De-Silanes, F., Shleifer, A., Vishny, R. (1998). Law and finance. *Journal of Political Economy*, 106: 1113-1155.
- Leuz, C., Nanda, D., Wysocki, P. D. (2003). Earnings management and investor protection: An international comparison. *Journal of Financial Economics*, 69(3): 505-527.
- Li, Y. M., Li, L. Y. (2013). Is There a Positive Relationship between Law and Economic Growth? A Paradox in China. *Asian Social Science*, 9(9): 19-30.
- Lang, M., Lins, K. V., Maffett, M., (2012). Transparency, Liquidity, and Valuation: International Evidence on When Transparency Matters Most. *Journal of Accounting Research*, 50: 729-774.

- Lang, M., Raedy, J., Yetman, M. (2003). How representative are firms that are cross-listed in the United States? An analysis of accounting quality. *Journal of Accounting Research*, 41(2): 363–386.
- Lourenço, I.C., Rathke, A., Santana, V. Branco, M.C. (2018). Corruption and earnings management in developed and emerging countries. *Corporate Governance*, 18(1): 35-51.
- McNichols, M, F. (2002) Discussion of the Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors. *The Accounting Review*, 77(1): 61-69.
- Memiş, M, U., Çetenak, E, H. (2012). Earnings Management, Audit Quality and Legal Environment: An International Comparison. *International Journal of Economics and Financial*, 2(4): 460-469.
- Michalopoulos, S., Papaioannou, E. (2014). National Institutions and Subnational Development in Africa. *The Quarterly Journal of Economics*, 129(1): 151–213.
- Mirshekary, S., Saudagaran, S. M. (2005). Perceptions and characteristics of financial statement users in developing countries: Evidence from Iran. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 14(1): 33-54.
- MohdNoor, N, F., Sanusia, Z, M., Heang, L, T., Iskandar, T, M., Isa, Y, M. (2015). Fraud Motives and Opportunities Factors on Earnings Manipulations. *Procedia Economics and Finance*, 28: 126-135.
- Mohammadrezaei, F., khosraviyan, I., Dolatzarei, E. (2020). Asset Revaluation and Earnings Management. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 7(2): 31-61. (In Persian)
- Namazi, M., Hajiha, Z., Chenari Bouket, H. (2017). The Effect on Structure Debt Maturity on Accrual-Based Earnings Management, *Quarterly the Financial Accounting and Auditing Researches*, 9(34): 1-30. (In Persian)
- Namazi, M., Shokrolahi, A. (2014). Investigation of Interactions between Free Cash Flow, Debt Policy and Ownership Structure Using the Simultaneous Equations System: Case Study of Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Advances*, 5(2): 165-206. (In Persian)
- Ng, J. (2011). The effect of information quality on liquidity risk. *Journal of Accounting and Economics*, 52: 126–143.
- Nobakht, M., Baradaran Hassanzadeh, R. (2017). Impact of Free Cash Flow on Real and Artificial Earnings Management. *Accounting and Auditing Review*, 24(3): 421-440. (In Persian)
- Nollkaemper, A., Wouters, J., Hachez, N. (2015). Accountability and the Rule of Law at International Level, [Www. Ssrn.com](http://www.ssrn.com).
- Paternoster, R., Brame, R., Mazerolle, P., Piquero, A. (1998). Using the correct statistical test for the equality of regression coefficients. *Criminology*, 36(4): 859-866.
- Perols, J. L., Lougee, B. A. (2011). The relation between earnings management and financial statement fraud. *Advances in Accounting*, 27(1): 39-53.

- Popescu, Ciora, Tandareanu (2008). Practical aspect of legislative technique and situation. *Official Gazette publishing House*.
- Porumbescu, G. A. (2015). Using transparency to enhance responsiveness and trust in local government: Can it work? *State and Local Government Review*, 47(3): 205-213.
- Rafik Z. (2002). Determinants of earnings management ethics among accountants. *Journal of Business Ethics*, 40(1): 33-45.
- Ranasinghe, A., Restuccia, D. (2018). Financial frictions and the rule of law. *Journal of Development Economics*.
- Riahi-Belkaoui, A., Al-Najjar, F.K. (2006). Earning Opacity internationally and Elements of Social, Economic and Accounting order, *Review of Accounting and Finance*, 5: 189-203.
- Schill, S. W., International Investment Law and the Rule of Law (2014). published in Jeffrey Lowell, J. Christopher Thomas and Jan van Zyl Smit (eds.), Rule of Law Symposium 2014: The Importance of the Rule of Law in Promoting Development (Singapore: Academy Publishing, 2015) 81-102, Amsterdam Law School Research Paper No. 2017-18, Amsterdam Center for International Law No. 2017-15, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2932153>.
- Scott, W. (2009). Financial Accounting Theory, Prentice Hall, 402.-431.
- Steijvers, T. & Niskanen, M. (2014). Tax aggressiveness in private family firms: An agency perspective. *Journal of Family Business Strategy*, 5 (4): 347-357.
- Stoll, P, T. (2018). International Investment Law and the Rule of Law. *Goettingen Journal of International Law*, 9(1), Special Ed. Holterhus, 267-292.
- Subramanyam, K.R. (1996). The pricing of discretionary accruals. *Journal of Accounting and Economics*, 22: 249-281.
- Tariverdi, Y., Moradzadeh Fard, M., Rostami, M. (2014). The Effect of Earnings Management on the Accuracy of Predicting Future Operating Cash Flows. *The Financial Accounting and Auditing Researches*, 6(21): 141-172. (in Persian)
- Tili, K., Ramakers, A. (2017). Rule of Law and Transparency in Modern Norwegian Whaling (2006-2015). *Nordicum-Mediterraneum*, 12(1).
- Tomy R.E. (2012). Earnings Persistence over the Business Cycle. Working Paper. Stanford University.
- Trung, T, Q., Liem, N, T., Thuy, C, T, M., Elgammal, M, M. (2020) The impact of short-term debt on accruals-based earnings management: evidence from Vietnam. *Cogent Economics & Finance*, 8(1): 25-56.
- UNDP (2004). Anti-corruption, final version, and practice note. UNDP press.
- Vadei, M, H., N., Abbas zadeh, M., anbarani, S. (2012). Investigation of factors influencing on about ethical judgments students of earnings management. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 20(3): 65-77. (In Persian).

- Vladu, A. B., Cuzdriorean, D. D. (2013). Financial transparency and earnings management: insights from the last decade leading journals published research, *Revista de Contabilidad y Dirección*, 16:129-160.
- Wongsunwai, W. (2012). The effect of external monitoring on accrual-based and real earnings management: Evidence from venture-backed initial public offerings. *Contemporary Accounting Research*, 30(1): 296-324.
- World Bank, (2019 Update). The Worldwide Governance Indicators (WGI).
- Wurgler, J. (2000). Financial markets and the allocation of capital. *Journal of Financial Economics* 58: 187–214.
- Xu, Y. (2011). An Analysis of the Relationship between Economic Growth and the Rule of Law: A Lesson from China's Experience. *VISTAS Education, Economy and Community the University of West London Journal*, 1(1): 36-48.
- Wei, X., Wang, K., Anandarajan, A. (2012). Quality of reported earnings by Chinese firms: The influence of ownership structure. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, 28,193-199.
- Yu, Fan (2005). Accounting transparency and the term structure of credit preads, *Journal of Financial Economics*, 75: 53–84.
- Zingales, L. (1994). The Value of the Voting Right: A Study of the Milan Stock Exchange Experience. *Review of Financial Studies* 7: 125–48.
- Zolfaghari, M., Talebnia, G., Pourzamani, Z. (2019). Efficient Opportunistic Earning Management and Financial Constraints: Testing of Debt Hypothesis in Accounting Positive Theories. *Empirical Research in Accounting*, 9(3): 1-23. (In Persian)